



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# پایس در حرم

به همراه  
مقدمه ای نگویز او فاش کرده  
در شرح حال آن حضرت

مجموعه زیارات  
حضرت زهرا علیها السلام علیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در حریم یاس: مجموعه زیارات حضرت زهرا علیهاالسلام

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	در حریم یاس: مجموعه زیارات حضرت زهرا علیها السلام
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۶	زیارت و آداب آن
۱۹	گوشه هایی از زندگانی برترین بانو
۱۹	اسم و نسب
۱۹	کنیه
۱۹	لقب
۲۰	ولادت
۲۰	شهادت
۲۱	محل دفن حضرت زهرا علیها السلام
۲۴	برخی از فضایل آن حضرت علیها السلام
۲۴	اشاره
۲۵	شکوه ولادت
۲۶	بانوی بی همتا
۲۶	برترین بانوی عالم
۲۷	عزیزترین مردم نزد رسول خدا
۲۸	خشم و خشنودی فاطمه
۲۹	آثار محبت و غضب فاطمه
۳۱	پدر به فدایش
۳۱	گفتگو با فرشتگان
۳۳	مصحف فاطمه

۳۵	لوح فاطمه
۴۰	صدیقه شهیده
۴۴	فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام
۴۸	زیارات فاطمه زهرا علیها السلام
۴۸	اشاره
۵۳	بخش اول: زیاراتی که روایت محسوب می شوند
۵۳	زیارت نخست
۵۶	زیارت دوم: زیارت آن حضرت در بیستم جمادی الثانیه
۷۱	زیارت سوم
۷۳	زیارت چهارم
۷۶	زیارت پنجم
۷۹	بخش دوم: زیاراتی که به طور صریح، به معصوم علیه السلام منسوب نیستند
۷۹	زیارت ششم
۹۲	زیارت هفتم
۹۶	زیارت هشتم
۹۹	زیارت نهم
۱۰۲	زیارت دهم: زیارت حضرت در روزه
۱۰۵	زیارت یازدهم:
۱۰۸	فهرست منابع
۱۲۰	درباره مرکز

## در حریم یاس: مجموعه زیارات حضرت زهرا علیهاالسلام

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: در حریم یاس: مجموعه زیارات حضرت زهرا علیهاالسلام / تهیه و تنظیم موسسه پیام امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر: تهران: پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص.

شابک: ۴۴۰۰ریال: ۹۶۴-۹۰۰۶۹-۹-۰۰؛ ۷۰۰۰ریال (چاپ سوم)؛ ۱۰۰۰۰ریال (چاپ چهارم)؛ ۲۴۰۰۰ریال (چاپ پنجم)

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۴.

یادداشت: چاپ سوم: پاییز ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۸.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۹۲.

یادداشت: عنوان روی جلد: در حریم یاس: مجموعه زیارات حضرت زهرا (علیهاالسلام) به همراه مقدمه ای گویا و فشرده در شرح حال آن حضرت.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۱ - ۱۱۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: در حریم یاس: مجموعه زیارات حضرت زهرا (علیهاالسلام) به همراه مقدمه ای گویا و فشرده در شرح حال آن حضرت.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- زیارتنامه ها

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره: ۲۷۱/BP۴۳د/۱۳۸۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۲۵۵۷۳

ص: ۱

اشاره







اهداء

به امّ الائمه النجباء عليها السلام

به امام حسين سيّد الشهداء عليه السلام

به صاحب مؤسسه، امام هادي عليه السلام

به امام زمان حجّه بن الحسن عليهما السلام

ص: ٤

مقدمه

ص: ۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله أجمعين.

سلام و درود خداوند و مقربین درگاهش، و عرض ادب و خاکساری ما بر خزانه دارانِ علمِ الهی، معادنِ حکمتِ ربّانی، و صاحبان اسرارِ خداوندگاری باد؛ پرچم دارن هدایت بشری، پایه های دین و قله های بلند بزرگی و بزرگواری و دریاهاى بیکرانِ علم و حکمت و....

این نوشتار عرض ادبی است کوچک به آستان بلند مستوره سرمد، بانوی آسمانی، فرشته زمینی و پاره تن حبيب خدا محمد مصطفی، فاطمه زهرا سلام الله علیها.

ادب جویان محضر حضورش چگونه باید شرط ادب به پا دارند؟ و خاکساران درگاهش چگونه باید شرط بندگی به جای آرند؟

ص: ۷

سرگشته گان وادی محبتش به کدامین بیان سرگشته گی خویش را بسرایند؟ و زایران کوی اجابتش چگونه باید با او به نجوا نشینند؟

مؤسسهٔ امام هادی علیه السلام به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش ها از میان احادیث و گفته های معصومین علیهم السلام و نظرات حدیث پژوهان، و به منظور فراهم آوردن موسوعه ای گرانسنگ پیرامون «زیارت» و «زیارات معصومین» تلاش گسترده ای را آغاز کرد و سال ها این مهم را در برنامه کار خود قرار داد و اکنون که آن تلاش ها در شُفُّف شکوفایی است و تدوین موسوعه زیارات آخرین مراحل خود را طی می کند بر آن شدیم تا بخش زیارات فاطمه سلام الله علیها را به صورت مستقل منتشر کنیم تا ضمن عرض ادب به ساحت قدس فاطمی از حضرتش برای پایان کار کمک بطلبیم.

ص: ۸

## زیارت و آداب آن

زیارت حضور زایر است در پیشگاه معشوق، اتصال قلبی است با مبدأ فیض، کسب نوراست از سرچشمه انوار الهی، زیارت آرامش است، آرامشی پریشانی زدا، آرامشی اضطراب شوی و آرامشی گوارا.

زیارت سعادت است، خوشبختی است، و چه خوشبختی بالاتر از حضور در کنار معصوم.

و حضور فقط «بودن» نیست، بلکه همنفس شدن با فرشتگان است، همصدایی با نیازمندان است و همدعایی با دعاگویان؛ یک حضور روحانی، و یک پرواز روحانی، بال گشودن تا حریم قدس، گویی از این جا راه آسمان نزدیک تراست و رسیدن به عرش ساده تر، این جا سوخته دلان می آیند تا مرهمی بر درد دل خویش بجویند، این جا سرخورده گان از خلق می آیند تا شفاعتی نزد خالق بیابند، این جا بی کسان می آیند تا با «کس بی کسان» انس گیرند.

پاکان می آیند تا صفا افزون کنند و آلوده گان می آیند تا زنگار از دل بشویند، گناهکاران می آیند تا توبه کنند و توبه کننده گان می آیند تا عهد خویش تقویت کنند.



هنگام زیارت چه جملاتی باید گفت؟ و چگونه باید شرط زیارت به جای آورد؟

هر کسی به هر زبانی می تواند اوج علاقه مندی خود را و نهایت نیازمندی خویش را بیان کند اما بهتر آن است که بدانیم معصومین علیهم السلام در این باره چه سفارشهایی دارند و چه آدابی برشمرده اند.

شهید اول از میان این آداب مواردی را ذکر کرده است (۱) که بازگویی برخی از آن ها خالی از لطف نیست:

\* غسل و پاکی

\* ایستادن در درگاه و کسب اجازه

\* در حال زیارت رو به روی معصوم قرار گرفتن

\* خواندن زیارت‌های رسیده از معصوم

\* دو رکعت نماز زیارت

\* دعا

\* تلاوت چند آیه از قرآن

\* حضور قلب و استغفار

\* دادن هدیه ای به خدمتکاران حرم

\* وداع هنگام بیرون آمدن

ص: ۱۰

این ها اعمالی است که خوب است زایر هنگام زیارت انجام دهد و بهترین جملات برای زیارت عباراتی است که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، گاه برای مکان خاص، یا زمان خاصی زیارت مخصوصی را دستور داده اند که خوانده شود گرچه نجوای عاشقانه همه جا خریدار دارد.

□  
قبل از پرداختن به زیارات فاطمه زهرا سلام الله علیها مناسب است اشاره ای کوتاه به زندگی آن بانو، و برخی از فضایل و مناقبش داشته باشیم.

### اسم و نسب

نامش فاطمه؛ دختر رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فرزند عبدالله، فرزند عبدالمطلب؛ و نام مادرش خدیجه دختر خویلد، فرزند اسد است (۱).

### کنیه

«ام الحسن» «ام الحسین» «ام الأئمه» (۲) «ام ابیها» (۳) کنیه‌های آن بانو هستند.

### لقب

آن بانو دارای القاب بسیاری است که هر یک از آن‌ها افقی از بی‌کرانه‌های عظمت او را می‌نمایاند از آن جمله: سیده نساء

ص: ۱۲

- 
- ۱- (۱) - تاج الموالید ص ۲۱، اسد الغابه ج ۷ ص ۲۲۰، الاصابه فی تمییز الصحابه (عسقلانی) ج ۴ ص ۳۷۷، الاتحاف بحب الاشراف ص ۳۳، انساب الاشراف (بلاذری) ج ۲ ص ۲۹.
  - ۲- (۲) مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۷.
  - ۳- (۳) - تاج الموالید ص ۲۰، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۷، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب (القرطبی) ج ۴ ص ۳۸۰، الاصابه ج ۴ ص ۳۷۷.

العالمین، بتول، طاهره، زهره، زهرا، محدّثه، علیمه، حکیمه، تقیه، نقیه، صدّیقه، شهیده، سیده نساء أهل الجنة. (۱)

## ولادت

زادروز آن بانو بیستم جمادی الثانیه (۲) سال پنجم (۳) بعثت بوده است و برخی این زادروز مبارک را در سال دوم (۴) دانسته اند.

## شهادت

کلینی رحمه الله و عدّه ای از علما شهادت آن حضرت را سیزدهم جمادی الاولی، هفتاد و پنج روز پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده اند (۵).

شیخ طوسی رحمه الله و عدّه دیگری از علما خاموشی شمع حیات آن بانو را در سوم جمادی الآخره سال ۱۱ هجری، نود و پنج روز پس از

ص: ۱۳

---

۱- (۱) - القاب الرسول و عترته ص ۳۸، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۷.

۲- (۲) - تاج الموالید ص ۲۱، دلائل الامامه ص ۴۵، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۷.

۳- (۳) - تاریخ الائمه ص ۶، کشف الغمه ج ۲ ص ۷۵، المصباح (کفعمی) ص ۵۱۲، تاج الموالید ص ۲۱، دلائل الامامه ص ۴۵، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۷.

۴- (۴) - المصباح (کفعمی) ص ۵۱۲.

۵- (۵) - الکافی ج ۱ ص ۲۴۱ ضمن حدیث ۵، و ج ۳ ص ۲۲۸ ح ۳، و ج ۴ ص ۵۶۱ ح ۴، تاریخ الائمه ص ۶، کشف الغمه ج ۲ ص ۷۵، تاج الموالید ص ۲۲، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب ج ۴ ص ۳۷۹.

وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند(۱).

این دو قول از اقوال دیگر مشهورتر است، گر چه اقوال دیگری نیز در تاریخ شهادت آن حضرت وجود دارد.

### محل دفن حضرت زهرا علیها السلام

محلّ دفن آن بانوی جهانیان به طور دقیق روشن نیست، برخی آن را میان قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و منبر او دانسته اند، و برخی احتمال داده اند در خانه خودش باشد، و برخی نیز مدفن او را بقیع(۲) معرفی کرده اند.

طبری در کتاب دلائل الامامه گوید:

حضرت علی علیه السلام حضرت زهرا سلام الله علیها را در روضه دفن نمود و چهل صورت قبر جدید در قبرستان بقیع درست کرد، چون مردم خبر رحلت حضرت را شنیدند و به بقیع آمدند چهل صورت قبر دیدند و برای آن ها پیدا کردن قبر واقعی مشکل شد(۳).

دانشمندان و علمای شیعه علت مخفی بودن قبر حضرت زهرا علیها السلام را نارضایتی ایشان از حکومت آن زمان دانسته اند، با اندکی توجه به خطبه فدکیه آن بانو و همچنین سخنانش با زنان مهاجر و

ص: ۱۴

---

۱- (۱) - مصباح المتهجد ص ۷۹۳، مسأّر الشیعه ص ۵۴، دلائل الامامه ص ۱۰، تاج الموالید ص ۲۲.

۲- (۲) من لا یحضره الفقیه ج ۲، ص ۵۷۲.

۳- (۳) - دلائل الامامه ص ۴۶.

انصار و مسایل دیگری چون سقط شدن فرزندش محسن(۱)، شکسته شدن پهلویش و بیماری ها و ناراحتی های آن حضرت بعد از پدر و....

روشن می شود که آن بزرگوار پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها روزگار خوشی نداشته است بلکه با کمال تلخی و سختی زندگانی را به پایان رسانده است(۲).

گزارش های تاریخی و حدیثی فراوانی در دست است که فاطمه علیها السلام بعد از وفات پدر بزرگوارش روزهایی پر از غم و اندوه، پر از ناله و گریه، پر از اشک و آه، و پر از درد و شیون در راه دفاع از اسلام و قرآن و ولایت سپری کرده است، به نمونه هایی بنگرید:

\* حاکم در المستدرک نقل می کند:

اسماء بنت عمیس گفت: در بیماری حضرت به دستور ایشان تابوتی تهیه کردم، و حضرت فاطمه علیها السلام تبسم کرد و من او را بعد از وفات پدرش جز این زمان متبسم ندیدم(۳).

\* ابن اثیر در اسد الغابه می گوید:

فاطمه بعد از رسول خدا خندان دیده نشد تا این که به خدای

ص: ۱۵

---

۱- (۱) روضه المتقین ج ۵ ص ۳۴۲.

۲- (۲) - روضه المتقین ج ۵ ص ۸-۳۴۷.

۳- (۳) - المستدرک ج ۳ ص ۱۷۷، رقم ۳۶۱: «... وجعلت علی السریر نعشاً وهو اول ما کان النعش فتبسمت فاطمه و ما رأيتها متبسمه بعد أبيها إلا يومئذ، ثم حملناها ودفناها ليلاً».

عز و جل پیوست (۱).

\* بلاذری در انساب الاشراف می نویسد:

□  
«... فاطمه... و لم تُر متبسمه بعد وفاه رسول الله» (۲).

فاطمه بعد از وفات رسول خدا خندان دیده نشد.

و از این روست که به علی بن ابی طالب علیه السلام وصیت نمود: «مرا شب دفن کن و قبرم را مخفی بدار» (۳)، حضرت می خواهد با مخفی بودن قبرش مظلومیت خویش را در تاریخ ثابت کند. (۴)

ص: ۱۶

---

۱- (۱) - اسدالغابه ج ۷ ص ۲۲۵: «ما رؤیت ضاحکه بعد وفاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حتی لحقت بالله عزوجل».

۲- (۲) - أنساب الأشراف ج ۲ ص ۳۴.

۳- (۳) الامالی شیخ مفید ص ۲۸۱ ح ۷، مرآه العقول ج ۵ ص ۳-۳۲۱، روضه المتقین ج ۵ ص ۳۴۷، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۴-۳۶۲ و نیز مراجعه شود به علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۵ باب ۱۴۹ العله التي من أجلها دُفنت فاطمه عليها السلام بالليل ولم تدفن بالنهار.

۴- (۴) - مرآه العقول ج ۵ ص ۳-۳۲۲، و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۴-۳۶۲.

هر چند این نوشتار بیشتر به زیارات آن بزرگوار توجه دارد و از اوصاف و القابی که در زیارات آن حضرت دیده می شود، مقام و مرتبه بلند ایشان جلوه گر است، ولی اشاره ای کوتاه و گذرا به برخی از مناقب و فضایل ایشان ضروری به نظر می رسد.

بنا بر مشهور تولد این بزرگوار بعد از مبعث بوده است و طبق روایات در شب معراج حضرت ختمی مرتبت از دست جبرائیل خرما(۱)، سیب(۲) و میوه های شجره طوبی(۳) خورده اند و نطفه حضرت از این میوه ها منعقد شده است.

ص: ۱۷

- 
- ۱- ((۱)) علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۳ باب ۱۴۷ ذیل ح ۲، الامالی (صدوق) ص ۳۷۳ مجلس ۷۰ ذیل ح ۷، عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۹۴ باب ۱۱ ذیل ح ۳، التوحید (صدوق) ص ۱۱۷ باب ۸ ذیل ح ۲۱، دلائل الامامه ص ۵۳، نور الثقلین ج ۳ ص ۱۱۸ ح ۲۴ و ص ۱۲۰ ح ۲۶ ذیل آیه «سبحان الذی...»، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۴ ح ۲ و ص ۶ ذیل ح ۵.
  - ۲- ((۲)) - علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۳ باب ۱۴۷ ح ۱، دلائل الامامه ص ۵۲ - مناقبها -، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۵ ح ۴.
  - ۳- ((۳)) - تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۲۱۲ ح ۴۶، تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۶۵، نور الثقلین ج ۲ ص ۵۰۲ ح ۱۲۲ ذیل آیه «طوبی لهم وحسن مآب...»، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۶ ح ۶.



هنگام ولادت این بانو، چهار زن از زنان بزرگ جهان از سوی خداوند آمدند تا حضرت خدیجه را برای ولادت آن بزرگوار کمک کنند؛ بانوانی که خود بانوی برتر بودند آمدند تا بسترگشای برترین بانو باشند:

۱ - ساره همسر ابراهیم خلیل.

۲ - آسیه دختر مزاحم همسر خداشناس فرعون.

۳ - مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی.

۴ - کلثوم خواهر موسی بن عمران.

آن بانو، پاک و پاکیزه به دنیا آمد و در آغازین لحظات لب به سخن گشود و گفت (۱):

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ.

گواهی می دهم که خدایی جز «الله» نیست و پدرم رسول خداوند و سرور پیامبران است و شویم سرور اوصیا و فرزندانم سرور فرزندان.

ص: ۱۸

---

۱- (۱) - سخن گفتن به هنگام تولد در باره امامان معصوم علیهم السلام هم نقل شده است همان سان که حضرت عیسی در کودکی سخن گفت: «انی عبد الله...» سوره مریم، ۳۰-۳۳.

سپس نام یک یک آن بانوان بزرگ را بُرد و به هر یک سلام کرد(۱).

### بانوی بی همتا

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر امیر المؤمنین علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج نمی کرد، تا روز قیامت در روی زمین از آدم و بعد از او کفو و همتایی برای فاطمه علیها السلام یافت نمی شد(۲).

علامه مجلسی در ذیل این حدیث گوید: می توان به این حدیث استدلال کرد که علی و فاطمه اشرف از پیامبران اولی العزم هستند جز پیامبر اسلام(۳).

### برترین بانوی عالم

حسن بن زیاد عطار گوید: به امام صادق گفتم این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است «فاطمه سیده زنان أهل بهشت است» آیا سیده زنان زمان خودش بود؟

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - الامالی شیخ صدوق ص ۴۷۶ مجلس ۸۷ ح ۱، روضه الواعظین ص ۱۴۴، دلائل الامامه ص ۹ با اندکی اختلاف؛ بحار الانوار ج ۴۳ ص ۳ ح ۱ و ح ۲ از الامالی و مصباح الانوار.

۲- (۲) - الخصال ج ۲ ص ۴۱۴ ذیل ح ۳ باب التسعه، الامالی شیخ صدوق ص ۴۷۴ مجلس ۸۶ ح ۱۸، دلائل الامامه ص ۱۰، علل الشرائع ج ۱ ص ۱۷۸ باب ۱۴۲ ضمن ح ۳، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۰ ضمن ح ۱.

۳- (۳) - بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۰ ذیل ح ۱.

حضرت فرمود: آن [که سیده زنان زمان خودش بود] مریم است، و فاطمه سیده زنان اهل بهشت از اولین و آخرین است (۱).

و نیز مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پیرامون سخن رسول خدا که فرموده است: «فاطمه سیده نساء العالمین» سؤال می کند که آیا فاطمه بزرگ و سیده زنان زمان خودش بود؟

حضرت صادق علیه السلام پاسخ می فرمایند: آن مریم بود که سیده زنان عالم خود بود؛ فاطمه سیده زنان جهانیان از اولین و آخرین است (۲).

### عزیزترین مردم نزد رسول خدا

ابن ابی وقاص گوید: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: فاطمه پاره تن من است هر که او را شاد کند مرا شاد کرده است و هر که به او بدی کند به من بدی کرده است، فاطمه عزیزترین مردم نزد من است (۳).

ص: ۲۰

---

۱- (۱) - الامالی شیخ صدوق ص ۱۰۹ مجلس ۲۷ ح ۷، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۱ ح ۱۰.

۲- (۲) - معانی الاخبار ص ۱۰۷ ح ۱، دلائل الامامه ص ۱۱، روضه الواعظین ص ۱۴۹.

۳- (۳) - الامالی شیخ مفید ص ۲۶۰ مجلس ۳۱ ح ۲، الامالی شیخ طوسی ج ۱ ص ۲۴، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۳ ح ۱۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا (۱).

خداوند تبارک و تعالی از غضب فاطمه به غضب می آید، و از خشنودی فاطمه - درود خدا بر او باد - خشنود می شود.

امام سجاد از امام حسین از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل می کند که پیامبر به فاطمه فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ» (۲).

خداوند به خشم تو خشم می گیرد و از خوشنودی تو خوشنود می شود.

ص: ۲۱

---

۱- (۱) - معانی الاخبار ص ۳۰۳ ح ۲ از ابن عباس، الامالی شیخ صدوق ص ۳۱۴ مجلس ۶۱، الامالی شیخ مفید ص ۹۵ مجلس ۱۱ ح ۴، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۹ ح ۴.

۲- (۲) - المعجم الكبير (طبرانی) ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۸۲، و ج ۲۲ ص ۴۰۱ ح ۱۰۰۱، المستدرک (حاکم) ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۳۲۸، وی گوید: این حدیث صحیح السند است؛ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۰۳، جواهر العقدين باب ۱۱ ص ۳۵۰، الصواعق المحرقة باب ۱۱ ص ۱۷۵، المقصد الثالث؛ اسدالغابه ج ۷ ص ۲۲۴ ح ۷۱۷۵، الإصابه ج ۴ ص ۳۷۸.

مسور بن مخرمه گوید: رسول خدا فرمود:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي. (۱)

فاطمه پاره تن من است هر کس او را به غضب آورد مرا به غضب آورده است.

حسین بن زید از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا فرمود:

إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ أَحْبَبَهَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي. (۲)

فاطمه پاره تن من است هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است، و هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته است، و هر کس او را شاد کند مرا شاد کرده است.

### آثار محبت و غضب فاطمه

سلمان فارسی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

يَا سَلْمَانَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي، وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ، يَا سَلْمَانَ

ص: ۲۲

□

۱- (۱) - صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۶، باب مناقب قرابه رسول الله، و ص ۳۶ باب مناقب فاطمه علیها السلام؛ المعجم الكبير (طبرانی) ج ۲۲ ص ۴۰۴ ح ۱۰۱۲، الجامع الصغير (سیوطی) ج ۲ ص ۳۶۰ ح ۵۸۳۳، وی گوید: این حدیث صحیح است؛ کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۸ ح ۳۴۲۲۲.

۲- (۲) - شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (قاضی نعمان مغربی) ج ۳ ص ۳۰ رقم ۹۷۰.

حُبُّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَنْفَعُ فِي مَائِهِ مَوْطِنٌ، أَيْسَرُهَا الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصَّرَاطُ وَالْعَرْضُ وَالْحِسَابُ.

□

فَمَنْ رَضِيَ ابْنَتِي عَنْهُ رَضِيَ عَنْهُ، وَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ رَضِيَ لِي اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ غَضِبَ بِي عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبَ بِي عَلَيْهِ، وَمَنْ غَضِبَ بِي عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ (۱).

ای سلمان! هر کس فاطمه دختر مرا دوست بدارد او در بهشت با من است، و هر کس او را دشمن بدارد در آتش است، ای سلمان در یک صد جا محبت فاطمه نفع می رساند، آسان ترین آن ها: مرگ، قبر، میزان، محشر، صراط، عرض [اعمال]، و حساب است.

پس دخترم فاطمه از هر کس راضی باشد من از او راضی و خشنودم، و هر که من از او راضی و خشنود باشم خداوند از او راضی است، و هر کس که فاطمه بر او غضب کند من بر او غضب کنم و هر که من بر او غضب کنم خدا بر او غضب می کند.

ص: ۲۳

---

۱- ((۱)) - مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين عليه السلام ص ۱۲۷ - المنقبه الحاديه و الستون -، يبايع الموده ج ۱ ص ۳۱۴ - الموده الثالثه عشر -، بحار الانوار ج ۲۷ ص ۱۱۶ ح ۹۴، احقاق الحق ج ۱۰ ص ۱۶۶.

در خبر است که فاطمه علیها السلام عملی از سر پارسایی و زهد انجام داد پیامبر سه مرتبه فرمود:

«فداها أبوها»<sup>(۱)</sup>، پدرش به فدایش.

## گفتگو با فرشتگان

طبری نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت فاطمه «محدّثه»<sup>(۲)</sup> نامیده شد زیرا ملائکه از

ص: ۲۴

---

۱- ((۱)) - الامالی شیخ صدوق ص ۱۹۵ مجلس ۴۱ ذیل ح ۷، روضه الواعظین ص ۴۴۴، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۴۳، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۰ ح ۷، و ج ۷۳ ص ۸۶ ح ۵۰.

۲- ((۲)) محدّث کسی است که فرشتگان با او صحبت می کنند؛ «صدای آن ها رومی شنود ولی آن ها را نمی بیند» به مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۳۶، مجمع البحرین ج ۱ ص ۴۶۹ مراجعه شود. از بعضی روایات استفاده می شود که آن حضرت ملائکه را می دید و با آن ها سخن می گفت و حضرت زهرا علیها السلام این دیدارها و گفتگوها را به امیرالمؤمنین علیه السلام خبر می داد. طبری در دلائل الامامه ص ۴۴ گوید: «فاطمه زهرا در شب وفاتش گفت: پسر عمو! این جبرائیل است پیش من آمد و گفت: السلام یقرئک السلام... پس از مدتی گفت: پسر عمو! این میکائیل است و همان سخن جبرائیل را می گوید...» و شبیه این واقعه را علامه مقرّم در کتاب وفاه الصدیقه الزهراء علیها السلام ص ۱۰۶ نقل می کند. از این روایات و نظائر آن می توان استفاده کرد که این بانوی بزرگوار علاوه بر گفتگو با فرشتگان آن ها را نیز مشاهده می نموده است.

آسمان فرود می آمدند و همانند مریم دختر عمران به او ندا می کردند:

□  
يا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَيَّ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا فَاطِمَةُ أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَاشْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۱).

ای فاطمه البته که خداوند تو را برگزید و پاک ساخت و بر زنان جهانیان برگزید، ای فاطمه برای خدایت قنوت گیر و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن.

فاطمه با فرشتگان سخن می گفت و آن ها با او سخن می گفتند، شبی فاطمه به آن ها گفت: آیا آن زنی که برترین زنان عالم است مریم دختر عمران نیست؟

فرشتگان گفتند: مریم برترین زنان عالم خود بود، و خداوند تعالی تو را برترین زنان عالم خودت و عالم او و برترین زنان اولین و آخرین قراردادده است (۲).

کلینی رحمه الله نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: ... جبرائیل نزد آن حضرت می آمد و او را در مرگ پدرش به نیکی تسلیت می گفت و خوشدل می ساخت و از حال پدر و مقام او و آنچه که بعد از وی برای فرزندانش پیش می آید گزارش می داد، و حضرت علی علیه السلام

ص: ۲۵

---

۱- (۱) - ر. ک آل عمران: ۴۲.

۲- (۲) - دلائل الامامه ص ۵۶.



آن‌ها را می‌نوشت (۱).

## مصحف فاطمه

طبری از ابی بصیر نقل کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام پیرامون مصحف فاطمه و اوصافش پرسیدم.

فرمود: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصحف بر آن حضرت علیها السلام نازل شد....

گفتم: فدایت شوم در آن چه بود؟

فرمود: خبر آنچه که تاکنون بوده است و آنچه که تا روز قیامت می‌آید، خبر آسمان، و عدد آنچه که در آسمانها است از فرشتگان و غیر آن‌ها....

امام باقر علیه السلام فرمود: چون خداوند متعال اراده فرمود مصحف را بر فاطمه نازل کند، جبرائیل و میکائیل و اسرافیل آن را حمل نموده و در ثلث دوم شب جمعه بر آن حضرت فرود آوردند، و آن بانو به نماز ایستاده بود؛ چون نمازش تمام شد فرشتگان بر او سلام کردند و گفتند: «السَّلَامُ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ» خدای سلام به تو سلام می‌رساند؛ و مصحف را در دامان آن حضرت نهادند.

حضرت فاطمه گفت: از برای خدا است سلام، و از اوست سلام،

ص: ۲۶

---

۱- (۱) - الکافی ج ۱ ص ۴۵۸ ح ۱؛ مجلسی رحمه الله در مرآة العقول ج ۵ ص ۳۱۴ سند این حدیث را صحیح معرفی می‌کند.

و به سوی اوست سلام، و بر شما ای فرستادگان خدا سلام باد؛ سپس فرشتگان به سوی آسمان عروج کردند.

حضرت زهرا این صحیفه را بعد از نماز صبح تا زوال شمس پی در پی می خواند، تا به پایان رسید.

در ادامه این حدیث امام باقر علیه السلام می فرماید: اطاعت آن حضرت بر همه خلق خدا - از جن، انس، پرنده، وحوش، انبیا و ملائکه - واجب بود. (۱) ابو بصیر گوید: فدایت شوم بعد از وفات فاطمه علیها السلام این مصحف چه شد؟

امام علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام داد، و چون حضرت علی از دنیا رفت به امام حسن علیه السلام سپس به امام حسین علیه السلام سپرد سپس نزد أهلش [ائمه معصومین علیهم السلام] باقی است تا [سرانجام] آن را به صاحب این امر [امام زمان عجل الله فرجه الشریف] بسپردند. (۲).

□  
در برخی از روایات به آنچه که فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد

ص: ۲۷

---

۱- (۱) - این جمله نورانی و خوب اطاعت حضرت فاطمه علیها السلام را بر همگان و همچنین ولایت تکوینی آن حضرت را بر همه مخلوقات روشن می کند.

۲- (۲) - دلائل الامامه ص ۲۷-۲۸، وروایات دیگری در: بصائر الدرجات ص ۱۷۲ ضمن ح ۳، و ص ۱۷۹ ح ۲۷، و الکافی ج ۱ ص ۲۳۸ باب فیه ذکر الصحیفه والجفر والجامعه ومصحف فاطمه علیها السلام.

از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از جبرائیل می شنیده و املاء می کرده و حضرت علی علیه السلام می نوشته است «مصحف فاطمه» گفته شده است و در این مصحف از حلال و حرام سخن به میان نیامده است بلکه از آنچه در آینده واقع خواهد شد یاد شده است (۱).

## لوح فاطمه

لوح فاطمه لوحی است که خداوند عزوجل برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد تا به حضرت فاطمه علیها السلام دهد، سپس حضرت فاطمه آن را به جابر بن عبدالله انصاری داد، او خواند و نسخه ای از آن نوشت. در این لوح نام دوازده وصی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده است.

کلینی با سند خود از ابوبصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم از جابر بن عبدالله انصاری خواست که در خلوت او را ببیند، و در آن مجلس به او فرمود: ای جابر مرا خبر ده از لوحی که در دست مادرم فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دیدی و از آنچه مادرم به تو

ص: ۲۸

---

۱- (۱) - بصائر الدرجات ص ۱۷۷ ح ۱۸ و ص ۱۷۴ ح ۶ و ص ۱۷۰ - باب فی الائمة علیهم السلام انهم اعطوا الجفر و الجامعه و مصحف فاطمه علیها السلام - و الکافی ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۲. و در برخی از روایات آمده است که مصحف فاطمه قرآن نیست بلکه کلامی است از کلام خدا که او آن را به فاطمه نازل فرموده است پس سخن خداست که به املاء رسول خدا و خط علی بر فاطمه فرود آمده است، بصائر الدرجات ص ۱۷۶ ذیل ح ۱۴ و ص ۱۷۳ ح ۵ و ص ۱۷۸ ح ۱۹.

خبر داد که در این لوح نوشته شده است.

جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که من در زمان زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد مادرت فاطمه علیها السلام رفتم تا ولادت امام حسین علیه السلام (۱) را تبریک گویم.

دیدم که در دست او لوحی سبز رنگ با خطی نورانی است.

گفتم: پدر و مادرم فدایت باد ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، این لوح چیست؟

فرمود: این لوحی است که خدای عزوجل به پیامبرش هدیه فرمود که در آن نام پدرم و شوهرم و دو فرزندم و نام های اوصیای از فرزندانم وجود دارد. و آن را پدرم به من داد تا مرا خوشنود کند.

جابر گفت: و مادرت فاطمه آن را به من داد، خواندم و از آن نسخه ای نوشتم. پدرم امام باقر علیه السلام به او فرمود: ای جابر! آیا ممکن است آن را به من نشان دهی؟

جابر گفت: آری.

و پدرم با جابر به راه افتادند تا به منزل جابر رسیدند، او برای پدرم صحیفه ای که از پوست بود آورد.

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر تو به نوشته خود نگاه کن تا من آن را برای تو بخوانم.

ص: ۲۹

جابر نگاه کرد و پدرم خواند، به خدا سوگند حرفی با حرفی مخالف نبود.

جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که دیدم در لوح اینگونه نوشته است:

به نام خداوند بخشنده مهربان

این کتابی است از طرف خداوند عزیز حکیم برای محمد نور او، سفیر او، حجاب او و دلیل او؛ روح الامین آن را از نزد پروردگار جهانیان فرود آورد. ای محمد! اسماء مرا بزرگ دار، و نعمت های مرا سپاس گوی و آن ها را انکار مکن، بدرستی که من «الله» هستم که هیچ معبود بحقی جز من نیست، من در هم کوبنده جباران و نابودکننده متکبران و خوارکننده ستمگران و داور روز جزا هستم.

من «الله» هستم که هیچ معبود بحقی جز من نیست، پس هر کس به غیر فضل من امیدوار باشد یا از غیر عدل من هراس داشته باشد او را عذابی خواهم کرد که احدی را آن چنان عذاب نکنم.

فقط مرا عبادت کن و فقط بر من توکل نما، من پیامبری را نفرستادم و روزگارش را به پایان نرساندم مگر آن که برای او وصی [وجانشین] قرار دادم.

من تو را بر پیامبران برتری دادم و وصی تو را بر اوصیا فضیلت بخشیدم و تو را پس از او با [وصایت] دو شیربچه که دو فرزند دخترت، حسن و حسین باشند، گرامی داشتم.

حسن را معدن علم خود پس از وفات پدرش قرار دادم.

و حسین را نگهبان وحی خود قرار دادم، و او را با شهادت گرامی داشتم و مُهر سعادت بر او زدم، پس او برترین شهید راه خداست. و در بالاترین درجه شهیدان است. کلمه تامه خود را با او قرار دادم و حجت بالغه را نزد او نهادم و به [پیروی از] فرزندان او ثواب می دهم [و به مخالفت آنان] عقاب می کنم. که اولین ایشان علی، سرور عابدان و زینت اولیای پیشین من است و فرزند او همنام جدش محمود، محمد باقر که شکافنده علم من و معدن حکمت و دانش من است، زود باشد آن ها که در جعفر شک کنند هلاک شوند، هر که او را رد کند همانند آن است که مرا رد کرده است.

سخن من محقق گردیده که منزلت جعفر را گرامی می دارم، و او را با کثرت اولیا و پیروان و یارانش شادمان می کنم.

و بعد از موسی فتنه کور ظلمانی رخ خواهد داد، زیرا رشته واجب من [وصایت] قطع نمی شود و حجت من مخفی نمی ماند، و هرگز اولیای من از هم جدا نخواهند شد.

آگاه باش هر کس یکی از آن ها را انکار کند نعمت مرا انکار کرده است. و هر کس آیه ای از کتاب مرا تغییر دهد بر من افترا بسته است، و وای بر کسانی که پس از وفات بنده ام و حبیبم و

برگزیده ام موسی افترا زنند و انکار کنند، آگاه باشید تکذیب کننده گان [وصی] هشتم تکذیب کننده همه اولیای من هستند، و علی، ولی و یاری کننده من است. و او کسی است که بارهای سنگین نبوت را بر دوش او نهم و او را با تحمل آن بیازمایم، و مرد بسیار پست و خود بزرگ بینی او را خواهد کشت، و در شهری که بنده صالح ذوالقرنین بنا نموده، در کنار بدترین مردم دفن خواهد شد. سخن من محقق گردیده که چشم او را با محمد فرزند و جانشین او روشن کنم، پس او وارث علم من و معدن حکمت من و جایگاه ستر من و حجت من بر خلایق خواهد بود، بهشت را جایگاه او قرار دهم و او را برای هفتاد نفر از خاندانش - که مستوجب آتشند - شفیع کنم.

و بر فرزندش علی مَهر سعادت زنم که ولی و یاری کننده من و شاهد در خلق و امین بر وحی ما است.

از نسل او حسن را بیرون آورم که دعوت کننده به راه من و نگهبان علم من است.

سپس وصایت را با فرزند او که رحمت برای عالمیان است تمام کنم، او دارای کمال موسی و زیبایی و درخشش عیسی و صبر ایوب است.

در زمان [غیبت] او اولیای من خوار شوند، و سر آن ها را همچون سرهای ترک و دیلم به ارمغان فرستند، پس کشته شوند و سوزانده شوند و در خوف و ترس به سر برند، زمین از خون آن ها رنگین شود، و وای و شیون از زنانشان برخیزد.

آن‌ها به حق، اولیای من هستند، و با ایشان هر فتنه و تاریکی را دفع کنم و اضطراب و فتنه‌ها را بر طرف سازم، و از ایشان سختی‌ها و زنجیرها را بر دارم، درودها و رحمت‌ها از پروردگارش بر آنان باد و ایشان هدایت شده‌گانند(۱).

### صَدِيقَةُ شَهِيدَةٍ

علی بن جعفر نقل می‌کند که برادرش موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَدِيقَةُ شَهِيدَةٍ»(۲).

مسلماً فاطمه «صدیقۀ شهیدۀ» است.

علامه مجلسی سند این حدیث را صحیح معرفی می‌کند، سپس می‌افزاید:

«صدیقۀ» مبالغه است در صدق و تصدیق، یعنی آنچه را که به پدر بزرگوارش نازل می‌شد صد در صد تصدیق می‌کرد، در گفتارش راستگو بود و رفتار او گفتارش را تصدیق می‌نمود، و این معنای عصمت است، و شکی در عصمت آن حضرت نیست چه آن‌که آیه تطهیر به اجماع خاصه و عامه شامل او نیز می‌باشد(۳). علامه مجلسی در ادامه می‌فرماید: «این حدیث دلالت می‌کند

ص: ۳۳

۱- ((۱)) - کمال الدین ص ۳۰۸ ح ۱.

۲- ((۲)) - الکافی ج ۱ ص ۳۸۱.

۳- ((۳)) - مرآة العقول ج ۵ ص ۳۱۵.



که فاطمه صلوات الله علیها شهیده بوده، و این متواتر است.» و سپس سبب شهادت آن حضرت را نقل می کند. (۱) آری شهادت این بانو و ماجرای آن از متواترات است، مگر می شود فراموش کرد چه بر سر پاکدخت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده است؟

مگر می توان این لگه ننگ را از پیشانی تاریخ شُست؟

چند روزی از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سپری نشده بود، عده ای که خود را پرچمدار اسلام می دانستند با آتش و تازیانه و... به خانه دختر پیامبر اسلام حمله می کنند، کجا سراغ دارید که با مشت و لگد به بازمانده تسلیت بگویند؟ و باتازیانه و آتش او را تسلی دهند؟ ولی آنان چنین کردند.

گزارش های تاریخی این جنایت فراوان است و در طول تاریخ، حدیث پژوهان، مورخان و عالمان گوناگونی به شکل های مختلف از آن یاد کرده اند. مرور برخی از این گزارش ها عمق فاجعه را بهتر ترسیم می کند:

\* نظام یکی از بزرگان معتزله می گوید:

«مسلماً عمر در روز بیعت به شکم فاطمه زد تا محسن از شکم او سقط شد» (۲)

ص: ۳۴

---

۱- (۱) - مرآه العقول ج ۵ ص ۳۱۸.

۲- (۲) الوافی بالوفیات ج ۶ ص ۱۷، و الملل و النحل ج ۱ ص ۵۷.

\* ذهبی در میزان الاعتدال ضمن شرح حال ابن ابی دارم از او نقل می کند:

«یقیناً عمر با لگد به فاطمه زد تا او محسن را سقط کرد»<sup>(۱)</sup> \* جوینی در فرائد السمطین از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«... دخترم فاطمه بانوی زنان جهانیان از اولین و آخرین است، او پاره تنم، نور دیده ام، میوه دلم و روح و روانم است، او حوراء انسی است که هرگاه در محرابش و در برابر خدایش می ایستد نورش برای ملائکه آسمان ها می درخشد هم چنان که نور ستارگان برای زمینیان می درخشد... وقتی به او می نگریم به یاد می آورم آنچه را که بعد از من بر او وارد خواهد شد؛ گویی می بینم که: خواری وارد خانه او می شود، حرمتش می شکند، حَقّش غصب می شود، از ارثش محروم می گردد، پهلویش می شکند، جنینش سقط می شود و او فریاد می زند: «یا محمداه» و کسی جواب نمی دهد، کمک می خواهد و کسی به او کمک نمی کند.»<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۵

---

۱- (۱) میزان الاعتدال ج ۱ ص ۱۳۹.

۲- (۲) فرائد السمطین ج ۲، ص ۳۵.

ابو بکر به عنوان مسبب اصلی این قضایا و کسی که تمام این جنایات را به فرمان و نظر او انجام می شد در موارد متعددی از این کار خود اعلام پشیمانی کرده است (۱) و این اعلان ها خود به عنوان اعترافی از سوی او نسبت به این جنایات محسوب می شود.

طبری در دلائل الامامه از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

...وكان سبب وفاتها [فاطمه] أن قنفذ مولى الرجل لكرها بنعل السيف بأمره فاسقطت محسناً ومرضت من ذلك مرضاً شديداً... (۲).

سبب وفات فاطمه علیها السلام آن بود که قنفذ غلام آن مرد با غلاف شمشیر بر آن حضرت زد که محسن او سقط شد و به این سبب به بیماری سختی مبتلا شد.... (۳)

ص: ۳۶

---

۱- (۱) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۴۵-۴۷؛ الحجّه الغزّاء ص ۵۴؛ مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۱؛ المعجم الکبیر ج ۱ ص ۶۲؛ مختصر تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۱۲۲؛ العقد الفرید ج ۴ ص ۲۶۸؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج ۳ ص ۱۱۷-۱۱۸؛ کنز العمال ج ۵ ص ۶۳۱؛ مجمع الزوائد ج ۵ ص ۲۰۲-۲۰۳.

۲- (۲) - دلائل الامامه ص ۴۵.

۳- (۳) - در ادامه حدیث آمده است: «و حضرت علیها السلام به کسانی که او را اذیت کردند اجازه ورود به منزل و عیادت نداد. و دو نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از امیرالمؤمنین علیه السلام خواستند تا آن حضرت برای آنان شفاعت کند تا آنان به خدمت آن بانو مشرف شوند. حضرت علی علیه السلام از آن حضرت خواست و ایشان موافقت فرمود چون آن دو نفر آمدند گفتند: چگونه ای ای دختر رسول خدا؟ حضرت فرمود: خوب الحمد لله، سپس به آن دو فرمود: آیا نشنیده اید سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را که فرمود: فاطمه پاره تن من است هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است و هر که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است؟ آن دو گفتند: آری. آن حضرت فرمود: سوگند به خدا شما دو نفر مرا اذیت نمودید. پس آن دو نفر از نزد حضرت زهرا علیها السلام بیرون آمدند در حالی که آن بانوی بزرگوار از آنان خشمگین بود». برای اطلاع بیشتر و دقیق تر می توانید به کتاب بیت الاحزان تألیف محدث قمی رحمه الله ص ۹۶ فصل «ما قاله عمر فی کتاب عهد الی معاویه»، و نیز به کتاب سلیم بن قیس ص ۱۵۹-۱۶۴ چاپ جدید ص ۵۸۴-۵۸۶ «چگونگی فرستادن قنفذ توسط عمر برای بیعت گرفتن از علی علیه السلام» مراجعه فرمایید.

## فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام

\* شیخ طوسی در تهذیب الاحکام، و شیخ مفید در المزار، و مجلسی در بحار الانوار نقل کرده اند که: فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

پدرم به من خبر داد که هر کس سه روز بر او و من سلام کند، خداوند بهشت را بر او واجب گرداند.

راوی حدیث گوید عرض کردم: ای فاطمه، در حیات پدرت و تو؟

حضرت فرمود: بلی و هم چنین بعد از وفات ما. (۱) \* در کتاب مصباح الانوار نقل شده است: حضرت فاطمه علیها السلام به علی بن ابی طالب علیه السلام خبر داد که رسول الله به او فرمود:

ص: ۳۷

---

۱- (۱) - التهذیب ج ۶ ص ۹ ح ۱۱، المزار ص ۱۷۷ ح ۱، البحار ج ۱۰۰ ص ۱۹۴ ح ۹.

يا فاطمه، مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَالْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ.

ای فاطمه هر کس بر تو درود فرستد خداوند او را ببخشد و در هر جای بهشت باشم او را به من ملحق کند(۱).

\* رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند همانند آن است که مرا در حیاتم زیارت کرده است، و هر که فاطمه را زیارت کند، همانند آن است که مرا زیارت کرده است.(۲) \* در مصباح الانوار از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

هر که قبر پاک فاطمه را زیارت کند و بگوید: «السلام عليك يا سيده نساء العالمين...»(۳) سپس استغفار کند، خداوند او را ببخشد و وارد بهشت کند(۴).

ص: ۳۸

---

۱- (۱) - بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۴ ح ۱۰، مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۲۱۱ ح ۲، از مصباح الانوار.

۲- (۲) - بشاره المصطفى ص ۱۳۹ و بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۲۲ ضمن حدیث ۲۸.

۳- (۳) این زیارت با عنوان «زیارت سوم» در ادامه خواهد آمد.

۴- (۴) - اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۶۱، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۹ ح ۱۹ و ذیل ح ۱۸، مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۲۱۰ ذیل ح ۱. خوانندگان محترم توجه دارند این فضایل علو مرتبه فاطمه زهرا علیها السلام و مقام والای او را نزد خداوند متعال می رساند، و از سوی دیگر می رساند مؤمنینی که او را زیارت کرده و عارف به مقام آن حضرت باشند، از این فضایل برخوردارند. روشن است، غیر عارف و کسی که نتواند ایمان خود را حفظ کند و بی ایمان از دنیا برود، از این ثواب ها و فضایل با این گستردگی بهره مند نیست. دلیل این گفتار روایاتی است که در فضیلت زیارت بعضی از معصومین با قید «عارفاً بحقه» وارد شده است که زایر باید عارف به مقام حضرت باشد.

از بحث گذشته چنین نتیجه گرفته می شود که زیارت حضرت در هر حال مستحب است. البته زیارت آن حضرت در ایام خاصی مورد تأکید بیشتری است، همان طور که مرحوم مجلسی در بحارالانوار می فرماید:

زیارت حضرت زهرا علیها السلام در اوقات و ساعات شریفه و زمان های مختص به آن بزرگوار دارای فضیلتِ بیشتر و تناسب بیشتری است مانند:

- روز تولد حضرت علیها السلام (بیستم جمادی الثانیه یا دهم آن).

- روز رحلت آن حضرت علیها السلام (سوم جمادی الثانیه یا یازدهم رجب بنا بر قول ابن عباس).

- روز تزویج ایشان با حضرت علی علیه السلام (نیمه ماه رجب یا اول ذی الحججه یا ششم آن).

- شب زفاف آن حضرت (نوزدهم ذی الحججه یا بیست و یکم محرم). (۱)

ص: ۳۹

---

۱- (۱) - شیعیان پس از وقوع غم انگیزترین حادثه تاریخ در ماه محرم، آن ماه را ماه غم و اندوه و عزاداری قرار داده اند و از جشن و شادی در این ماه می پرهیزند.

- هم چنین سایر ایام که در آن کرامت و فضیلت خاصی از آن حضرت ظاهر شده است، مانند روز مباحله، و روز نزول [سوره] هل آتی که آن بیست و پنجم ذی الحجّه است. (۱)

ص: ۴۰

---

۱- (۱) - البحار ج ۱۰۰ ص ۲۰۲.

زيارات فاطمة زهرا عليها السلام

اشاره

ص: ٤١





در کتب معتبر حدود ده زیارت برای فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده است. البته برخی از این زیارات در بخشی از متن به یکدیگر شبیه اند و در بخشی دیگر اختلاف دارند، در صورتی که این شباهت ها را به هم برگردانیم و اختلاف موجود را به ناقلین روایات نسبت دهیم - نه به اصل روایت و زیارت - تعداد زیارات از ده زیارت کمتر می شود. و اگر اختلاف عبارات و تفاوت جملات را به راوی نسبت نداده بلکه بگوییم هر یک از این ها زیارت مستقلاً بوده و این چنین صادر شده اند، تعداد آن ها از ده زیارت بیشتر می شود.

حدود پنج زیارت از این زیارات روایت است که یا به امام معصوم نسبت داده شده اند، مانند زیارت اول و سوم؛ یا از زبان راویان نقل گردیده است، مانند زیارت دوم که سید بن طاووس رحمه الله از محمد بن علی طرازی<sup>(۱)</sup> نقل کرده است.

ص: ۴۳

---

۱- (۱) - در بعض کتب رجال نام او آمده است و به طور دقیق شناخته شده نیست، هر چند نقل مکرر شخصیت بزرگی چون سید بن طاووس از او حکایت از وزانت او می نماید، خصوصاً این که متن زیارت نیز با معارف حقه کاملاً سازگار است. ابن طاووس در اقبال الاعمال از محمد بن علی طرازی روایت می کند از ابو الفرج محمد بن موسی قزوینی کاتب، و از این نقل به دست می آید که طرازی در طبقه نجاشی است. ر. ک معجم رجال الحدیث ج ۱۷ ص ۵۱ رقم ۱۱۳۸۷.

حدود پنج زیارت هم به طور صریح منسوب به امام معصوم نیست هر چند متن همه آن ها با معارف حَقَّة شیعہ سازگار است و مطلب خلافی در آن ها مشاهده نمی شود ولی دو احتمال در بارهٔ صدور این زیارات وجود دارد:

۱ - از ائمهٔ معصومین علیهم السلام صادر شده باشند و نام امام و تعلیم دهنده زیارت نقل نگردیده باشد(۱).

۲ - از تألیفات علما و ساخته و پرداخته آن ها باشد که آن ها این جملات را با توجه به روایات و کتب معتبر اقتباس و تألیف نموده اند، به طور قطع زیارتی که مرحوم صدوق در من لا یحضره الفقیه نقل کرده است از این قسم به شمار می آید زیرا او خود چنین گوید:

من پس از زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قصد زیارت حضرت فاطمه علیها السلام نمودم در حالی که با غسل بودم و چنین گفتم....(۲) سپس در آخر زیارت می فرماید:

در خبر چیز محدودی که وظیفه باشد برای زیارت

ص: ۴۴

---

۱- (۱) - عدم نقل نام امام علیه السلام شاید به علت اختصار بوده است، یا چون در کتب آن زمان نوشته شده بوده و بر همگان معلوم و مشهور بوده است.

۲- (۲) - این زیارت در ادامه با عنوان زیارت ششم خواهد آمد.

صدیقه علیها السلام نیافتم پس به آنچه که برای خود راضیم، برای کسی نیز که کتاب مرا می خواند، راضی هستم.

شیخ صدوق با این عبارت اجازه می دهد، که دیگران هم از آنچه که او تألیف کرده و با آن، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت نموده است استفاده کنند، و آن بانو را بدان زیارت نمایند.

لازم به ذکر است که غالب عبارات شیخ صدوق رحمه الله برداشت از روایات است تا جایی که علامه مجلسی رحمه الله در اهمیت عبارات صدوق و پدرش رحمه الله چنین گوید:

اکثر اصحاب ما کلام او و پدرش را به منزله نصّ منقول و خبر مأثور تلقی می کنند(۱).

ص: ۴۵

زیارت نخست

شیخ طوسی رحمه الله با سند خود از ابراهیم بن محمد بن عیسی بن محمد عریضی نقل کرده که گفت: روزی امام جواد علیه السلام به ما فرمود:

وقتی کنار قبر جده ات - فاطمه علیها السلام - رسیدی بگو:

يا مُمْتَحَنُهُ (۱)، اَمْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ أَيَّ أَمْوَدِهِ أَيَّ خَدَايَ أَفْرِينِنْدِهِ ات پِيش از آفرینش تو را آزموده است فَوْجِدِكَ لِمَا اَمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّا لَمَعِكَ أَوْلِيَاءُ وَتُورَا دَرِ أَنْجَه اَزْمُودِ شَكِيَا يَافَتْ، وَمَعْتَقَدِيمُ كَهْ مَا دُوسْتَدَارَانِ تُو هَسْتِيمُ، وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ، وَبِهْ أَنْجَه پَدْرِ شَمَا وَوَصِيَّ او بَرَايَ مَا آوَرْدِ اِيْمَانِ دَارِيمُ وَ [دَرِ رَاهِ آن] شَكِيَايِيمُ،

ص: ۴۶

---

۱- (۱) در المزار الكبير: «السلام عليك يا ممتحنه».

فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صِدْقًا كَلِمَةً إِلَّا الْحَقِّتْنَا بِمَا نَسْأَلُكَ مِنْهُ، مَا رَأَى بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا  
بِالْبَشَرِ (۱) به سبب این تصدیق (وایمان)، به آن دو (بزرگوار)، با بشارت ملحق کنی لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّهَا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ (۲).

تا خود را بشارت دهیم که ما با ولایت شما پاکیزه شدیم.

سند این روایت قوی است چنانچه مجلسی اول رحمه الله فرموده است:

روی الشيخ في القوي عن ابراهيم بن محمد العريضي.... (۳) شيخ با سند قوی از ابراهیم بن محمد عریضی روایت می کند....

این زیارت در طول قرون و سال ها مورد نظر علما بوده است و

ص: ۴۷

---

۱- (۱) «بالبشری» فقط در عبارت التهذیب وجود دارد و در سایر مصادر نیست.

۲- (۲) - التهذیب ج ۶ ص ۹ ح ۱۲، وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۶۷ - أبواب المزار - ب ۱۸ ح ۲، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۴ ح ۱۱، مصباح المتعجل ص ۷۱۱، در المزار الکبیر ص ۷۹ ح ۲، و در المزار (شهید) ص ۲۱ همانند آن بدون سند، و جمال الأسبوع ص ۳۱ و ص ۳۲ با اندک تفاوت، روضه المتقین ج ۵ ص ۳۴۳، متن و ترجمه آن در لوامع صاحب قرانی ج ۵ ص ۵۱۰، شیخ صدوق از این زیارت نامی نبرده است.

۳- (۳) - روضه المتقین ج ۵، ص ۳۴۳.

در کتب حدیث، مزار و ادعیه نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره شد.

متن این زیارت روایی، کوتاه و دقیق است به گونه‌ای که فهم بعضی از قسمت‌های آن برای افراد عادی مشکل به نظر می‌رسد، مانند: امتحنک الله الذی خلقک قبل أن یخلقک....

نکات:

\* این زیارت با حرف خطاب شروع می‌شود «یا ممتحنه».

\* مطابق این زیارت، آن حضرت قبل از خلقت در امتحان الهی موفق شده است و در مقابل بلاها صبر پیشه کرده است و به مقام «صابره» بودن رسیده است.

\* زایر با این زیارت، پیامبر و وصی او و آنچه را که آورده اند تصدیق می‌نماید، و از حضرت زهرا می‌خواهد که شفاعت کند تا زایر به نبی و وصی ملحق شود.

\* بعضی از قسمت‌های این زیارت از برکات و فواید ولایت حضرت فاطمه علیها السلام بر پیروانش حکایت می‌کند مانند عبارت: «قد طهرنا بولایتک» که ولایت فاطمه علیها السلام را پاک‌کننده معرفی می‌کند.

ص: ۴۸

## زیارت دوم: زیارت آن حضرت در بیستم جمادی الثانیه

روز بیستم جمادی الثانیه بنا بر مشهور تولد آن بانوی بزرگ است.

سید بن طاووس در این روز از محمد بن علی طرازی برای آن حضرت زیارتی (و نماز و دعای پس از آن) را نقل می کند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ دَخْتَرِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ دَخْتَرِ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ دَخْتَرِ دُوسْتِ خَالِصِ اللَّهِ، (سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ دَخْتَرِ صَفِيِّ اللَّهِ) (۱)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ بِرِ كَزِيدَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ بِرِ تَوَايِ دَخْتَرِ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ دَخْتَرِ بَهْتَرِينَ آفَرِيدَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ بِرِ تَوَايِ دَخْتَرِ

ص: ۴۹



أَفْضَلُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ.

برترین پیامبران خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین آدمیان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ زَنَانِ جَهَانِيَانِ از پیشینیان وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ  
وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ وَحَسِينِيَانِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ هَمْسَرِ وَلِيِّ خَدَا وَ (همسر) بِهْتَرِينَ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ  
آفْرِيدَةَ خَدَا پَسِ از رسول خدَا. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ مَادِرِ حَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ حَسِينِ دُو سُرُورِ  
جَوَانَانِ أَهْلِ بَهْشْتِ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيْتُّهَا الصَّدِيقَةُ أَي مَادِرِ مُؤْمِنَانِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ صَدِيقَةِ الشَّهِيدَةِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيْتُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ.

شهیده، سلام بر تو ای خرسند (از خدا و) مورد پسند (خدا).

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيْتُّهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ رَاسْتَكُوِي بِا كَمَالِ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ الْفَاضِلَةِ الرَّكِيَّةِ. السَّلَامُ  
عَلَيْكَ أَيْتُّهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، أَي دَانَشْمَنْدِ پَاكِ سُرُشْتِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ اَنْسِيَّةِ حَوْرَا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سلام بر تو ای پارسای پاک نهاد، سلام بر تو أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ ای دانای همراز فرشتگان، سلام بر تو ای بی گناه المظلومَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، ستم شده. سلام بر تو ای پاک پاکیزه، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَّهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ. السَّلَامُ سلام بر تو ای ستم کشیده حق غارت شده. سلام عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْغَمَّاءُ الزَّهْرَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بر تو ای سفید روی درخشان چهره، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو یا فاطمة بنت مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلِّ لِي ای فاطمه دختر محمد رسول خدا، درود اللَّهُ عَلَيْكَ یا مَوْلَاتِي وَابْنَتَهُ (۱) مَوْلَايَ وَعَلِيٍّ رُوحِكَ بر تو ای بانوی من و دختر مولایم، و (سلام) بر روح وَيَدِينِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ وَجْهِهِ تُوْبَاد. گواهی می دهم که تو با [مقام یقین و] دلیل روشنی از جانب

ص: ۵۱

---

۱- ((۱)) - در بحار الانوار: «وَبِنْتٌ».

رَبِّكَ، وَأَنْ مَنْ سَيَّرَكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ (۱) الله، پروردگارت در گذشتی و (گواهی می دهم که) هر کس تو را شاد کرد رسول خدا را و مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، شاد نمود و هر کس بر تو جفا کرد به رسول خدا جفا نمود وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ، و مَنْ وَصَلَ لَكَ فَقَدْ وَصَلَ لِي رَسُولَ اللَّهِ، و مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، به (راه) رسول خدا پیوست، و هر که از (راه) رسول خدا گسست، لَأَنْتَ بِيَضْعِهِ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنَّتَيْهِ، كما قالَ زيارا که تو پاره تن و جان درون سينه او هستی هم چنان که او خود عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَأَكْمَلُ السَّلَامِ. أَشْهَدُ اللَّهَ - که بهترین و کامل ترین درودها و سلام ها بر او باد - گفته است. خدا وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، و فرشتگانش را گواه می گیرم که من از هر کس که تو خرسندی خرسندم و سَخِطُ عَلَيَّ مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، وَلِي لِمَنْ وَالَاكَ، و بر هر کس تو خشمگینی خشمگینم، و با هر کس که با تو دوستی کند دوست هستم وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ.

و با هر کس که با تو دشمنی بکند دشمنم، و با هر کس که با تو بجنگد در جنگم،

ص: ۵۲

أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكَ وَبِأَبِيكَ وَبِعَلِّكَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ بَانُوِي مَنْ! مَنْ بِي تُو وَ بِي پِدَر تُو وَ هِمَسِر تُو وَ اِمَامَان اَز فِرَزَنَدَانَت مُوقِنٌ،  
وَبِوَلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَبِطَاعَتِهِمْ مُلْتَمِمْ، يَقِين دَارَم وَ بِي وِلَايَتِ آن هَا مُؤْمِن هِسْتَم. وَ بِي پِيروِي اَز ايشَان پايِنْدَم.

أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، شَهَادَتِ مِي دِهَم كِه دِين (حَق) دِينِ آنَان وَ حَكْم (رَاسْتِين) حَكْمِ آنَان اسْت.

وَ أَنْتَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ آنَان (آنچه را که) اَز طَرَفِ خِداوَنَد (مأمور رساندنش بودند) رسانْدَنَد.

وَدَعَوْا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ بَا كَلَامِ حَكِيمَانِه، وَ پِنْد نِيكو بِي رَاهِ خِدا فِرَاخَوَانْدَنَد، لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ  
لَا يُمْ، وَصَيَلَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى در رَاهِ خِدا سِرَزَنَش سِرَزَنَش كِنْنَدگان بَرِ آنَان مُؤَثِر نِيْفْتَاد وَ دِرُودِ خِدا بَرِ تُو وَ بَرِ أَبِيكَ  
وَبِعَلِّكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ.

پِدَر تُو وَ هِمَسِر تُو وَ فِرَزَنَدَان تُو - آن اِمَامَانِ پَاك سِرَشْت - بَاد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى بَارِ الْهَاءِ! بَرِ مُحَمَّدِ وَ خَانْدَانِ او دِرُودِ فِرَسْت، وَ دِرُودِ فِرَسْتِ بَرِ الْبِتُولِ الطَّاهِرَةِ  
الْصَّادِقَةِ الْمَعْصُومَةِ النَّبِيِّهِ (فَاطْمَةُ زَهْرَا) آن اَز مِرْدَم بَرِيْدَةُ بِي خِدا پِيوسْتُهُ رَاسْتِ كِرْدَارِ بِي گِنَاهِ پَرِهِيْزِ كَارِ

النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ [الْمَرْضِيَّةِ] (۱) الرَّكِيَّةِ الرَّشِيْدَةِ الْمَظْلُوْمَةِ پاك سرشتِ خرسندِ (از خدا و) موردِ پسندِ (او) و پاكيزه به كمال رسیده ستم شده المَقْهُورِ، الْمَغْصُوبِ حَقَّهَا، الْمَمْنُوعِ إِرْتِهَا، موردِ خشمِ (دشمنان) قرار گرفته ای که حقش غصب شد و از ارشش باز داشته شد الْمَكْسُورِ ضَمَّهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا، الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا، و پهلویش شکست و همسرش مورد ستم قرار گرفت، و فرزندش کشته شد، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَبَضَعَهُ لِحِمِّهِ، وَصَيِّمِ قَلْبِهِ، فاطمه دختر رسول خدا و پاره تن و زلال جان ۲ وَفَلَدَهُ كَبِدِهِ، وَالنَّخْبَةَ مِنْكَ لَهُ، وَالتَّحْفَةَ، و پاره جگر او و برگزیده تو برای او و ارمغانی که آن را خَصِيصَةً بِهَا وَصِيَّتُهُ، وَحَبِيْبَةَ الْمُصْطَفَى، وَقَرِيْنَةَ وَیْزَةَ وَصَى پیامبر کردی، و محبوبِ (پیامبر) مصطفی، و همسرِ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ، وَمُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ، حَلِيْفَةَ (علی) مرتضی، و سرور زنان، و بشارت دهنده دوستداران، هَمِيْمَانَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتُفَاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ، الَّتِي پارسایی و زهد، و سیب (باغ) فردوس و بهشت جاودان، آن که شَرَفَتْ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَيَّلَتْ مِنْهَا أَنْوَارَ وِلَادَتِهَا را با (حضور) زنان بهشتی شرافت دادی، و انوار (درخشان) امامان را

ص: ۵۴

الْأَيْمَةِ، وَأَرْخَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ التُّبُوهُ. اللَّهُمَّ از او طالع کردی، و پرده (اسرار) نبوت را نزد او کنار زدی. بار الها! صَلِّ عَلَيْهَا صَلَاةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهَا لَدَيْكَ بِرِوَايَةِ دُرُودِ فَرَسْتِ، دُرُودِي كَمَا بِهَا جَائِغَاهُ وَشَرَفِهَا عِنْدَكَ، وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ، وَبَلَّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَيِّلًا، وَمَقَامَ رِضَامَنْدِي تُوَازِهَا وَبِيفْزَائِدِ، وَازْجَانِبِ مَا دُرُودِ وَسَلَامِ بِرِوَايَةِ فَرَسْتِ، وَآتِنَا مِنْ لَمَدُنْكَ فِي حُجَّتِهَا فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَازْجَانِبِ مَا دُرُودِ دَرِ رِاهِ دُوسْتِي أَوْ بِمَا فَضْلٍ وَإِحْسَانٍ وَرَحْمَةٍ وَغُفْرَانًا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ (۱) الْكَرِيمِ.

و غفران عطا کن که تو صاحب فضل و بزرگواری.

سپس نماز زیارت بخوان، و اگر توانستی نماز آن حضرت را نیز به جا آور، و آن دو رکعت است در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره قل هو الله احد شصت مرتبه؛ و اگر نتوانستی دو رکعت نماز بخوان در رکعت اول سوره حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم سوره حمد و یک مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون، و چون سلام دادی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ بَارِئًا مِنْهَا! بِه وَسَيِّلَةِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِش - كَمَا دُرُودِ تُوَازِهَا بَارِئًا مِنْهَا -

ص: ۵۵

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ، به سوی تو روی می کنم، و به حق بزرگ تو بر آنان الذی لا یَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ كَهَ زُرْفَايَ آن را کسی جز تو نداند از تو درخواست می کنم، و به حق آن که حق او عِنْدَكَ عَظِيمٌ، وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي نَزِدَ تُو بَزْرَگ است، و نیز به وسیله اسماء حُسْنَايَتِ که فرمان داده ای أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا. وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمِئِكَ الْأَعْظَمِ الذی تُو رَا بَا آن بخوانم از تو درخواست می کنم. و به آن اسم اعظمی که أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ، ابراهیم را فرمان دادی تا با آن پرندگان را بخواند پس (خواند و آنها) اجابتش کردند، وَبِأَسْمِئِكَ الْعَظِيمِ الذی قُلْتَ لِلنَّارِ:

و به آن اسم بزرگت که (با آن) به آتش گفתי:

«كُونِي بَرْدًا وَسَيِّئًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ» (۱) فَكَانَتْ بَرْدًا، «بر ابراهیم سرد و سلامت باش» پس سرد (و سلامت) شد، وَبِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَشْرَفُهَا وَأَعْظَمُهَا لَمَدِيكَ و نیز به محبوب ترین و شریف ترین و بزرگ ترین و أَسْرَعُهَا إِبْرَاهِيمَ، وَأَنْجَحُهَا طَلِبَهُ، و سریع الاجابه ترین و به نتیجه رسنده ترین اسمهايت از تو درخواست می کنم،

ص: ۵۶

وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ، وَ أَتَوَسَّلُ وَ نِيزَ بَهِ أَنْ (صِفَات) كَهِ تَو شَائِسْتَه وَ مُسْتَحَقُّ وَ دَر خُورِ أَنْ هَسْتِي، وَ نِيزَ بَهِ تَو  
إِلَيْكَ، وَ أَرَعْبُ إِلَيْكَ، وَ أَتَضَرَّعُ تَوَسَّلُ مِي جَوِيمِ وَ بَهِ سَوِيْتِ مُشْتَاقِ مِي كَرْدَمِ وَ زَارِي مِي كَنَمِ وَ أَلْحُ عَلَيْكَ. وَ أَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ  
الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَيَّ (وَبِرِ خَوَاسْتَه ام) بَرِ تَو اَصْرَارِ مِي وَرَزْمِ. وَ بَهِ (حَقِّ) كِتَابِ هَايِ (أَسْمَانِي) تَو كَهِ بَرِ أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ  
عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ بِبِامْبِرَانِ وَ رَسُولَانْتِ - كَهِ دَرُودِ خُدَا بِرِ أَنْانِ بَادِ - فَرُودِ فَرَسْتَادِي اَزِ تَوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ،  
فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَ انجِيلِ وَ زَبُورِ وَ قُرْآنِ بَزْرَكِ كَهِ دَرِ أَنْ هَا اسْمِ اعْظَمِ تَو هَسْتِ، وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعَظِيمِ، أَنْ  
وَ نِيزَ بَهِ أَنْ اسْمِ هَايِ اعْظَمِي كَهِ دَرِ أَنْ هَا اسْتِ اَزِ تَو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ كَهِ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي  
مُحَمَّدٍ بِرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِي، وَ فَرَجِ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شَرِّ يَعْتَبِهِمْ وَ مُجِيبِهِمْ وَ عَنِّي، وَ تَفْتَحَ أَبْوَابَ آلِ مُحَمَّدِ وَ  
شِيعَانِ وَ دُوسْتَدَارَانِشَانِ وَ مَرَا بِرْسَانِي، وَ دَرِ هَايِ أَسْمَانِ رَا السَّمَاءِ لِدُعَائِي، وَ تَرْفَعَهُ فِي عَلِّيْنِ، بِهِ رُويِ دَعَايِ مِنْ بَگْشَائِي، وَ أَنْ  
رَا بِهِ جَايْگَاهِ هَايِ بَلَنْدِ (اَجَابْتِ خُودِ) بِالَا بِبِرِي،



وَتَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي، امروز و همین ساعت در گشایش کار من، وَإِعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و نیز دادن آرزو و خواسته دنیا و آخرتم اذن فرمایی.

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ، ای کسی که جز او کسی از چگونگی و قدرت او خبر ندارد.

يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَىٰ أَيِّ كَسَىٰ كَمَا أَنَّ السَّمَانَ رَا بَه هَوَا مَحِيْطٍ سَاخْتِي، وَ (خَشَكِي هَاي) زَمِيْنَ رَا بَر رُوِي الْمَاءِ، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، آب (های دریاها و اقیانوس ها) گرد آوردی. و برای خود بهترین نامها را برگزیدی.

يَا مَنْ سَمِّيَ نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي يَقْضِي بِهِ حَاجَةَ مَنْ يَدْعُوهُ، ای کسی که خود را به اسمی نامیدی که با آن حاجت دعا کنندگان روا گردد، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَىٰ لِي مِنْهُ أَنْ تَتَوَبَّعَ حَقَّ أَنْ اسْمٍ - که هیچ شفيعی قوی تر از آن ندارم - در خواست می کنم که تُصَلِّئِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقْضِي لِي حَوَائِجِي، بر محمد و آل محمد درود فرستی، و حوائج مرا بر آورده سازی، وَتَسْمَعُ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَصَدَائِهِ (نیازمندی) مرا به محمد و علی و فاطمه و حسن و

حسین

ص: ۵۸

وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَعْفَرِ  
وَعَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ وَعَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّه  
الْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِكَ وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَحِجَّتَ مُنْتَظِرِ إِذْنِ تَوْصِيَةِ لَوْلَا تُكَ وَسَيِّئَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ - كه  
درود و سلام و رحمت و برکات تو برایشان باد - صَوْتِي، لِيَشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ، وَتَشْفَعَهُمْ فِيَّ، بِشِنَوَانِي تَا نَزْدِ تَوْ بَرَايِمِ شَفَاعَتِ  
كَنَنْد، وَ شَفَاعَتِ آ نَانِ رَا دَرِبَارَهُ مِنْ بِيذِيرِي وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

به حق (کلمه طیبه) لا اله الا انت، مرا نا امید بر مگردان.

و هر حاجتی داری بخواه که برآورده می شود ان شاء الله تعالی (۱).

ص: ۵۹

---

۱- (۱) - اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۶۷-۱۶۴، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۹ ح ۲۰.

می توان گفت این زیارت دارای سه بخش است:

بخش نخست: عناوین و صفات

این بخش با سلام بر آن بانو و با توجه به صفات بی مانند او و پدر بزرگوارش شروع می شود مانند: «دختر رسول خدا» «دختر حبیب خدا» و... سپس سلام با صفات و القاب و کمالات سببی و نسبی آن بزرگوار ادامه پیدا می کند مانند: «السلام علیک یا سیده نساء العالمین من الاولین و الآخین» «السلام علیک یا زوجة ولی الله و خیر خلقه من الاولین و الآخین» «السلام علیک یا أمّ الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة» «السلام علیک یا امّ المؤمنین» «السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده» و همین طور سلام ادامه پیدا می کند با صفات: «الرضیه» «المرضیه» «الصادقه» «الرشیده» «الفاضله» «الزکیه» «الحوراء» «الإنسیه» «التقیه» «النقیه» «المحدثه» «العلیمه» «المعصومه» «المظلومه» «الطاهره» «المطهره» «المضطهده» «المغصوبه» «الغراء» «الزهره» و...

بخش دوم: گواهی

در این بخش زایر گواهی می دهد:

\* حضرت زهرا بعد از آن که معجزات و حجت های خود را بر کسانی که به او ظلم نمودند تمام نمود، از دنیا رفت.

\* هر که فاطمه را خوشحال گرداند رسول خدا را خوشحال گردانیده است، و هر که بر او ستم کند بر رسول خدا ستم کرده است، و هر که او را اذیت کند یقیناً رسول خدا را اذیت کرده است.

\* هر که به فاطمه بیوندد به رسول خدا پیوسته است، و هر که با او قطع رابطه کند با رسول خدا قطع رابطه کرده است، زیرا او پاره تن پیامبر و جانِ جسم اوست، همان گونه که خود حضرت فرمود.

بخش سوم: تولی و تبری

در این بخش زایر «حب و بغض» و «دوستی ها و دشمنی های» خود را رسماً اعلان می کند و برای تأکید بیشتر، خدا و رسول او را نیز به گواهی فرا می خواند و می گوید:

\* من از کسانی که فاطمه از ایشان خشنود است، خشنودم، و از کسانی که فاطمه بر ایشان غضب کرده است، غضبناکم.

\* من کسی که فاطمه را دوست بدارد دوست می دارم و با کسی که با فاطمه دشمن باشد دشمن هستم و با کسی که با فاطمه

ص: ۶۱

بجنگد می جنگم.

و این اظهار تویی و تبری و یقین و ایمان و إطاعت نسبت به او و پدر و همسر و فرزندان معصومش ادامه پیدا می کند تا در بخش بعد که بر ایشان درود فرستاده می شود.

بخش چهارم: صلوات

در این بخش زایر از خداوند می خواهد که بر محمد و آل محمد و بر حضرت زهرا درود و صلوات بفرستد و فاطمه را با این صفات و القاب معرفی می کند: بتول، طاهره، صدیقه، معصومه، تقیه، نقیه، رضیه، مرضیه، زکیه، رشیده، مظلومه، مقهوره، مغضوبه حقها، ممنوعه ارثها، مکسوره ضلعها، مظلوم بعلها، مقتول ولدها، بنت رسول الله، بضعه محمد، صمیم قلبه، فلذه کبد، نخبه، تحفه، قرینه المرتضی، سیده النساء، مبشره الاولیاء، حلیفه الورع والزهد، تفاحه الفردوس والخلد، شرف مولدها بنساء الجنه، سللت منها انوار الائمه، ارخیت دونها حجاب النبوه...

هریک از این اوصاف و القاب مرتبه ای از مراتب والای فاطمی را بیان می کند و در مجموع بر جلالت و عظمت آن بانو گواه است.

در ادامه زایر از خداوند می خواهد که درود خود را بر آن حضرت بفرستد و از سوی زایر نیز به او سلام و تحیت برساند، و فضل و احسان و رحمت خود را در راستای محبت فاطمه به او عنایت فرماید.

ص: ۶۲

بخش پنجم: نماز و دعای پایانی

سپس نماز زیارت خوانده می شود، و پس از آن دعای مخصوص بعد از زیارت. این دعا مشتمل بر قسم های مختلف به حضرت حق است و این که خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد و در فرج محمد و آل محمد و شیعیان ایشان تعجیل کند و....

ص: ۶۳

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ سِرُورِ زَنَانِ جِهَانِيَانِ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَايَا وَالِدَةِ الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّ مَادِرِ حِجَتِ هَيِّ خُدَا بِرِئَاسَةِ هَمَّةِ مَرْدَمِ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ أَيْتِيهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّهَا.

ای مظلومه ای که او را از حقش باز داشتند.

سپس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، بَارِكْ لَهَا! بِرِئَاسَةِ كُنِيْزَتِ وَدَخْتَرِ بِيَامْبِرْتِ، وَهَمْسَرِ وَصِيِّ بِيَامْبِرْتِ دَرُودِ فَرَسْتِ، صَلَاةً تُرْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ وَمِنْ أَهْلِ دَرُودِي كِهْ أُو رَا بِهْ مَقَامِي بِالْأَتْرَازِ مَقَامِ بِنْدِگَانِ بَزْرِگَوَارْتِ از أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.

آسمان ها و زمین ها برساند.

روایت شده هر کس آن حضرت را به این زیارت، زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند، خداوند او را پیامرزد و وارد بهشت کند(۱).

ص: ۶۴

---

۱- (۱) - اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۶۱، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۸ ح ۱۸، مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۲۱۰ ح ۱. و در بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۹ ح ۱۹ به نقل از مصباح الانوار از امام صادق علیه السلام از پدران گرامی اش علیهم السلام، و محدث نوری در المستدرک بعد از نقل این زیارت از اقبال الاعمال سید، چنین گوید: فرزند سید بن طاووس در کتاب زوائد الفوائد این زیارت را نقل کرده و گفته است: «این زیارت مختص است به روز وفات آن حضرت و آن سوم جمادی الآخره است».

نکات:

این زیارت را در دو بخش می توان بررسی کرد:

بخش نخست: سلام

در این بخش زایر بر حضرت زهرا علیها السلام با عنوان «برترین بانوی جهانیان» و «مادر امامان معصوم» و این که مظلوم بوده و حقیقت منع شده است، سلام می کند.

بخش دوم: صلوات

در این بخش زایر از خداوند می خواهد که: بر بنده اش و دختر رسولش و همسر وصی نبی درود بفرستد.

ص: ۶۵



□  
شیخ طوسی رحمه الله در مصباح المتعجد با سند خود از عبد الله بن محمد عابد نقل می کند که: در سال ۲۵۵ در سرّ من رأی به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و از حضرت خواستم تا بر من صلوات بر پیامبر و اوصیایش علیهم السلام را املاء فرماید، و حضرت علیه السلام املاء فرمود:

□  
... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبِهِ ... خدایا بر صدیقه، فاطمه پاک و نیکو کار، محبوب حبیبت و نبیّت، و امّ اجبائک و اصفیائک، الّتی ائتجتها حبیب و پیامبرت، و مادر دوستداران و برگزیدگان، آن که او را انتخاب کردی و فضلتها و اخترتها علی نساء العالمین و برتری دادی و بر همه زنان جهانیان برگزیدی، درود فرست.

□  
اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مَمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا، بار الها! تو خود از ستمگران، و سبک شماران حقش انتقام گیر و کنِ التَّائِبَ اللَّهُمَّ بِحَدَمِ أَوْلَادِهَا. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا وَتَوَايَ خُودًا، خونخواه فرزندانها باش. بار الها! همچنان که او را امّ ائمه الهدی، و حلیله صاحب اللوائ، مادر امامان هدایت، و همسر علمدار (توحید و عدل)،

وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، و بزرگوار نزد فرشتگان مقرب خود - که در برترین منزلت جای دارند - قرار داده ای، فَصَلَّ عَلَيْهَا وَعَلَىٰ أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَىٰ صِلَاةً بِرِوَايَةٍ وَ بِرِوَايَةٍ كَبِيرَةٍ دَرُودِ فَسْتِ دَرُودِي كِه بَا آن تُكْرِمُ بِهَا وَجَهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمَ، وَتَقَرَّرُ بِهَا پَدَرش مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمَ رَا آبرو، وَ دِيدگان فرزندانش رَا أَعْيَنَ ذُرِّيَّتَهَا، وَأَبْلَغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ رُوشَنایی بخشی وَ از جانب من هم، اكنون بَهِتَرين التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ (۱).

درود و سلام را به او برسان.

نکات:

\* این روایت، صلوات بر محمد و یحییٰ اوصیای گرامی اش را در بر دارد، و بخشی از آن نیز شامل صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و بیان مناقب آن بانوی بزرگ است (۲).

\* در این زیارت علاوه بر صفات و القابی چون صدیقه، زکیه،... جمله «حبیبه حبیبک و نیبک» قابل توجه است چه آن که

ص: ۶۷

---

۱- (۱) - مصباح المتعجد: ۴۰۱.

۲- (۲) - چون سلام و صلوات در زیارات به هم آمیخته است و جدا سازی بین این دو قدری مشکل می نماید، ما آن را ضمن زیارات حضرت آوردیم.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حبیب خداوند است و فاطمه علیها السلام حبیبه رسول خداوند و مؤید و یاد آور روایاتی چون من أحبها فقد أحبني (۱) و... شمرده می شود.

\* جمله دیگری که در این جا بسیار قابل توجه است: «التي انتجبتها و فضلتها واخترتها على نساء العالمين» است. این قسمت حضرت فاطمه را برگزیده خداوند معرفی می کند و می گوید: خداوندا تو بودی که فاطمه را برگزیدی و به او فضیلت بخشیدی و او را به عنوان برترین زنان عالم انتخاب نمودی، این فراز مؤید و یادآور «فاطمه سیده نساء العالمین فی الدنيا والآخرة» است.

\* در ادامه پس از این دو جمله و ذکر دو عظمت از عظمت های فاطمه از خداوند خواسته می شود که: «بار خدایا! حق او را از کسانی که حقش را پایمال کردند و به او ظلم نمودند بستان، و خون خواه خون فرزندانش باش».

\* در پایان درود و سلام بر او و مادرش خدیجه و پدرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده می شود.

ص: ۶۸

کلینی رحمه الله با سند خود از امام حسین علیه السلام نقل می کند:

چون فاطمه علیها السلام از دنیا رفت امیرمؤمنان علیه السلام او را پنهانی دفن کرد و خاک بر روی قبر او ریخت، سپس برخاست و صورت خود را به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرد و فرمود:

□  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... [وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ] (۱) سَلَامٌ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ رَسُولِ خَدَا!... (و سلام بر هر دوی شما) سلام مُودَعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَيِّئِمٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفُ فَلَا عَنِّي وَدَاعٍ كُنْنَدَه، نَه خَشْمِگین و نَه خَسْتَه، پَس اِگَر (از مزار شما) بِرِگَرْدَمِ از رُوی مَلَالَه، وَإِنْ أُقِمُّ فَلَا عَنِّي سُوءٍ ظَنُّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ خَسْتِگِی نَبُودَه، و اِگَر بِمَانَمِ از رُوی بَدِیْنِی بِه وَعَدَه خَدَا الصَّابِرِیْنَ. وَاهًا وَاهًا، وَالصَّبْرُ أَيْمَنُ وَأَجْمَلُ، وَلَوْلَا بِه صَابِرَانِ نِیْسَت. دَرِیغَا! دَرِیغَا! کِه (باز) صَبْر، مَبَارِک تَر و زَبِیَاتَر اِسْت، و اِگَر غَلْبَه الْمُسْتَوِلِیْنَ لَجَعَلْتُ چِیْرَه گِی زُور گُویَان نَبُود [کِه مَراسِرْزَنَش کُنْنَد یا قَبْر فَاطْمَه رَا بِشَناسَنَد و نَبَش کُنْنَد] الْمَقَامَ وَاللَّبَثَ لِزَامًا مَعْکُوفًا، وَلَأَعُولُتُ اِعْوَالَ اِقَامَتِ و دَرَنَگ [دَر اِیْن جَا] رَا مَلَازِمِ مِی شَدَم، و هَم چُون مَادِر فَرزَنَد مَرْدَه

ص: ۶۹

الثَّكَلِيَّ عَلِيَّ جَلِيلِ الرَّزِيِّهِ، فَبَعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ بِرَإِينِ مَصِيْبَتِ بَزْرِكِ شِيُوْنِ مِي كَرْدَم، پَس دَر مَنظَرِ خَدَا دَخْتَرْت (شَبَانَه وَ) سِرًّا وَتَهْضُمُ حَقَّهَا وَتَمْنَعُ إِرْثَهَا، پَنَهَانِ بَه خَاكِ سَپَرْدَه شَد، وَ حَقْشِ پَايْمَالِ گَشْت، وَ اَز اَرْتَشِ بَا زْدَا شْتَه شَد وَ لَمْ يَتْبَاعِدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذِّكْرُ، دَر حَالِي كِه دِيرِ زَمَانِي (اَز رَحَلْتِ تَو) نَگَذْشْتَه بُوْد وَ يَادِ تَو كَهْنَه نَشْدَه بُوْد، وَ اِلَى اللَّهِ يَا رَسُوْلَ اللَّهِ الْمُشْتَكِيَّ، وَفِيكَ يَا رَسُوْلَ اللَّهِ اِي رَسُوْلَ خَدَا! شَكُوْهٌ خُوْد رَا بَه خَدَا عَرَضَه مِي دَارَم، وَ اِي رَسُوْلَ خَدَا! اَحْسَبُ نَالَعَزَاءِ، صَيَّلَى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ عَلَيهَا السَّلَامُ وَ الرَّضْوَانُ (۱).

بهترین دلداری ها را در تو می بینم، درود خدا بر تو باد، و سلام و رضوان خدا بر فاطمه.

نکات:

این زیارت، سلام و زیارتی است که از زبان امیر المؤمنین علیه السلام پس از دفن حضرت زهراء عليها السلام و هنگام وداع نقل شده است.

این زیارت روایی از طریق حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیهما السلام روایت شده و در کتب معتبر نقل گردیده است.

چون حضرت زهراء عليها السلام از دنیا رفت امیر المؤمنین علیه السلام او را

ص: ۷۰

---

۱- ((۱)) - الکافی ج ۱ ص ۴۵۸ ح ۳، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۹۳ ح ۲۱، کشف الغمّه ج ۲ ص ۱۳۰ با اندک تفاوت، و بخش اول زیارت در مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۶۴.

مخفیانه دفن کرد و قبر او را پوشاند و سپس صورت خود را به طرف قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برگرداند و به آن حضرت سلام کرد و....

در این زیارت سه نکته جالب توجه است:

\* سلام به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و شکوه از سختی فراق او و دخترش فاطمه و سختی ها و تیره گی ها و ستم ها....

□  
\* سلام وداع با رسول الله و فاطمه زهرا و سخن از صبر و شکیبایی و زیبایی آن، و باز سخن از دفن مخفیانه فاطمه و غصب حق او و....

\* شکایت به خدا و رسول خدا از این وقایع تلخ.

ص: ۷۱

### زیارت ششم

شیخ صدوق رحمه الله با تسلط کم نظیر یا بی نظیری که در روایات و احادیث اهل البیت علیهم السلام داشته است می گوید: چون از زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شدم قصد خانه حضرت فاطمه علیها السلام را کردم، در حالی که با غسل نزدیک حظیره ایستاده بودم به گونه ای که طرف چپ من به سوی حظیره و پشت به قبله و صورتم به طرف خانه فاطمه علیها السلام بود گفتم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، اى دختر پیامبر خدا! سلام بر تو اى دختر رسول خدا! سلام بر تو اى بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، اى دختر حبيب خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيٍّ سَلَامٍ بِرِ تَوَاي دَخْتَرِ خَلِيلِ (ودوست خالص) خدَا! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي دَخْتَرِ بِرِ كَزِيدَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ خدَا! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي دَخْتَرِ أَمِينِ خدَا! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي بِنْتَ خَيْرِ خَلَقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَيْ دَخْتَرِ بَهْتَرِينَ آفَرِيدَةَ خدَا! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي دَخْتَرِ بَهْتَرِينَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَةَ (۱) پيامبران و رسولان و فرشتگان خدَا! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي دَخْتَرِ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنْ بَهْتَرِينَ مَرْدَمِ! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي سُرُورِ زَنَانِ جَهَانِيَانِ اَزِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ أَوَّلِينَ وَآخِرِينَ! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي هَمْسَرِ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ خدَا و بَهْتَرِينَ آفَرِيدَةَ خدَا پس از رسول خدَا! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

ای مادر حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت! السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٍ بِرِ تَوَاي صَدِيقَةَ شَهِيدِهِ! سَلَامٍ بِرِ تَوَاي

ص: ۷۳



أَيُّهَا الرِّضِيُّ المَرَضِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الفاضِلَةُ اى خشنود (از خدا و) مورد پسند خدا! سلام بر تو اى پاكدامنِ الزَّكِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الحُورِيُّ (۱) الإنْسِيَّةِ، السَّلَامُ نيكوکار! سلام بر تو اى حوریه انسى! سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا المَحَدَّةُ العَلِيْمَةُ.

بر تو اى پارسای پاکیزه (سرشت)! سلام بر تو اى الهام شده دانا! السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا المَظْلُومَةُ المَغْصُوبَةُ، سلام بر تو اى مورد ستم قرار گرفته حق غصب شده! السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا المُضْطَهَدَةُ المَقْهُورَةُ، سلام بر تو اى کسی که (به خاطر دینش) مورد ستم قرار گرفت و از پا افتاد! السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسولِ اللّهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو اى فاطمه دختر رسول خدا! صَلِّى اللّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَيَدِنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ درود خدا بر تو و بر روح و تن تو باد. گواهی می دهم که تو مَضَيَّتِ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَيَّرَكَ با حجتی که از پروردگار خود داشتی درگذشتی، و این که هر که تو را شاد کرد فَقَدْ سَرَّ رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، رسول خدا را شاد نمود، و هر که بر تو جفا کرد بر رسول خدا جفا نمود،

ص: ۷۴

---

۱- (۱) - التهذيب، بحار الانوار، مصباح المتهجد، المزار (شهيد): «الحوراء».

وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ وَصَيْلَكَ وَهَرَّكَ بِهْ تَوَّازَرَ رَسُوْلَ خِدا رَا آزارَ نَمُوْد، وَ هَرَّكَ بِهْ تَوَّ پِيُوْنْدَ كَرْدَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُوْلَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ بِهْ رَسُوْلَ خِدا پِيُوْنْدَ نَمُوْد، وَ هَرَّكَ (پِيُوْنْدَ خُوْدَ رَا) اَزْ تَوَّ بَرِيْدَ اَزْ رَسُوْلَ خِدا رَسُوْلَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، لِأَنَّكَ بَضَعَهُ مِنْهُ وَرُوحَهُ الَّتِي بَيْنَ كَسَسْتِ، زِيْرَا تَوَّ چِنانَ كِهْ رَسُوْلَ خِدا - كِهْ بَرْتَرِيْنِ سَلامِ وَدَرُوْدِ خِدا بَرِ اوْ باءِ - جَنَبِيْهِ كَمَا قَالِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلامِ اللَّهِ وَصَلَوَاتِهِ.

فرمود پارهٔ تن و روح او هستی که در (قلب و) سینه او جا دارد.

□  
أَشْهَدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ، خِدا وَ پِيامْبِرانَ وَ فَرَشْتِگانَ اوْ رَا گِواهِ مِيْ گِيْرِمَ كِهْ اَزْ هَرَّ كَسِ تَوَّ خِشْنُوْدِيْ مِنْ نِيْزِ خِشْنُوْدِمَ، سَاخِطٌ عَلَيَّ مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، وَ بَرِ هَرَّ كَسِ تَوَّ خِشْمِگِيْنِيْ مِنْ نِيْزِ خِشْمِگِيْنِمَ وَ اَزْ هَرَّ كَسِ كِهْ تَوَّ بِيْزارِيْ مِنْ نِيْزِ بِيْزارِمَ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، وَ با هَرَّ كَسِ تَوَّ هَمْرَاهِيْ مِنْ نِيْزِ هَمْرَاهِمَ، وَ با هَرَّ كَسِ تَوَّ دِشْمَنِيْ مِنْ نِيْزِ دِشْمَنِمَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ وَ اَزْ هَرَّ كَسِ تَوَّ نَفَرْتِ دَارِيْ مِنْ نِيْزِ نَفَرْتِ دَارِمَ، وَ هَرَّ كَسِ رَا تَوَّ دُوْسْتِ دَارِيْ مِنْ أَحَبَبْتِ، وَ كَفِيٌّ بِاللَّهِ شَهِيداً وَ حَسِيْباً نِيْزِ دُوْسْتِ دَارِمَ، وَ خِدا بَسِ اسْتِ كِهْ شَاهِدِ وَ حَسابِرِسِ

وَجَازِيًا وَ مُثْبِتًا.

و کیفر دهنده و پاداش بخش باشد.

سپس می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيَّ وَعَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ بَارِهَا! درود و سلام فرست بر بنده و رسول خود محمد بن عبد الله، خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَخَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ.

بن عبدالله آخرین پیامبران و بهترین آفریدگان.

وَصَلِّ عَلَيَّ وَصَلِّ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَدُرُودَ فَرَسْتِ بَرِ وَصِيِّ أَوْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ مُؤْمِنَانِ وَإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ.

و امام مسلمانان، و بهترین اوصیا.

وَصَلِّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

و درود فرست بر فاطمه دختر محمد، سرور زنان جهانیان.

وَصَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ.

و درود فرست بر دو سرور جوانان اهل بهشت حسن و حسین.

وَصَلِّ عَلَيَّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ.

و درود فرست بر زین العابدین علی بن حسین.

وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ.

و درود فرست بر محمد بن علی شکافنده علم پیامبران.

وَصَلِّ عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ.

و درود فرست بر راستگوی از جانب خدا جعفر بن محمد.

وَصَلِّ عَلَى كَاطِمِ الْغَيْظِ فِي اللَّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

و درود فرست بر فرو برنده خشم خود در راه خدا موسی بن جعفر.

وَصَلِّ عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى.

و درود فرست بر رضا، علی بن موسی.

وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ.

و درود فرست بر پارسا (ی دوران) محمد بن علی.

وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ.

و درود فرست بر پاکیزه (سرشت) علی بن محمد.

وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ.

و درود فرست بر نیکوکار حسن بن علی.

وَصَلِّ عَلَى الْحُجَّهِ الْقَائِمِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ.

و درود فرست بر حجت قائم فرزند حسن بن علی.

اللَّهُمَّ أَخِي بِي الْعَدْلِ، وَأَمْتٌ بِي الْجَوْرِ، خدایا! به وسیله او عدالت را زنده کن و ستم را بمیران، وَزَيْنٌ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَظْهَرُ  
بِي دِينِكَ وَبِهِ وَسِيلَةُ دِرَازِي عَمْرٍ أَوْ زَمِينِ رَا زِينَتِ بَخْشِ، وَبِهِ سَبَبٌ أَوْ دِينِ خُودِ

وَسَيِّئَةٌ نَّبِيَّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ سَنَتِ پیامبرت را آشکار کن تا هیچ حقی به خاطر ترس از کسی مخافه احد من الخلق، و اجعلنا من اعوانه پنهان نماند، و ای پروردگار جهانیان، ما را از یاران و اشیاعه و المقبولین فی زمره اولیائه یا رب و پیروان و پذیرفته شدگان در گروه اولیای او قرار ده.

□  
العالمین. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ خَدَايَا! بر محمد و خاندانش که پلیدی (شرك) را اذھبت عنهم الرجس و طهروهم تطهیراً(۱).

از آنان زدوده ای، و (خلوص و) پاکی ویژه شان بخشیده ای درود فرست.

شیخ صدوق بعد از نقل این زیارت می گوید: «در اخبار چیزی محدود و موظف برای زیارت حضرت زهرا نیافتیم، پس به آنچه بر خود راضی بودم، برای هر که کتاب مرا ببیند نیز راضی هستم».

ص: ۷۸

---

۱- (۱) - من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۷۳، المزار الکبیر ص ۸۲-۸۰، و در التهذیب ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۲، و مصباح المتهجد ص ۷۱۱، و المزار (شہید) ص ۲۲، و بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۵ ح ۱۲ تا «جازیاً و مُثیباً»، و هم چنین به جای «اللهم صل وسلم... تطهیراً» به اجمال آمده است: «ثم تصلى على النبي والأئمة عليهم السلام»، و در البلد الامین ص ۲۷۸ و المصباح (کفعمی) ص ۴۷۵ با تفاوت و اختصار.

از گفته‌ی رییس‌المحدثین شیخ صدوق رحمه الله چنین استفاده می‌شود که:

۱ - این زیارت از تألیفات آن بزرگوار است. و می‌توان گفت ایشان با تسلط خاصی که بر متن روایات داشته است، از مضامین روایات، این زیارت را سامان داده است.

۲ - او اجازه داده است که دیگران نیز این زیارت را بخوانند.

تذکر:

الف) بعضی از بزرگان در باره این کلام شیخ صدوق: «قال مصنف هذا الكتاب: لم اجد في الاخبار شيئاً موظفاً محدوداً لزيارة الصديقه» احتمال داده اند که شیخ صدوق روایت ابراهیم بن محمد عریضی از امام جواد علیه السلام را - که ما به عنوان زیارت نخست نقل کردیم - ندیده است.

احتمال دیگر از آن مجلسی اول رحمه الله است که در لوامع صاحب قرانی روایت امام جواد علیه السلام (۱) را تعبیر به دعا نموده و در این مورد چنین گوید:

ظاهراً این دعایی است که بعد از زیارت باید خواند، و صدوق که گفته است: «زیارتی بخصوص ندیده ام» منافات ندارد که این دعا را دیده باشد، اگرچه ظاهر کلام شیخ طوسی این است که

ص: ۷۹

صدوق غافل شده است. - واللّٰه تعالیٰ یعلم - و بهتر آن است که هر دو (۱) را بخوانند، چون تألیف صدوق نیز در نهایت خوبی است و لهذا شیخ و غیر او این زیارت را در کتب زیارات نقل کرده اند (۲).

و او در روضه المتقین نیز پیرامون این زیارت تألیف شیخ صدوق رحمه الله می گوید:

«ما ذکره وألّفه أيضاً فی غایه الجوده» (۳) ب) این زیارت هر چند روایت مستقیم از امام معصوم نیست ولی تمام عبارات آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم برگرفته از روایات است، به عبارت دیگر یا خبر است یا در معنی خبر.

از این رو این زیارت در طول قرون متمادی مورد عنایت و توجه عالمان و دانشمندان بوده است و در کتب زیارات یا ابواب زیارات نقل شده است. (۴) به طور مثال مرحوم شیخ طوسی در تهذیب الاحکام بعد از آن که روایت ابراهیم بن محمد عریضی را از امام جواد علیه السلام در زیارت حضرت فاطمه نقل می کند چنین می گوید:

«هذه الزّیارة وجدتها مرویة لفاطمة علیها السلام وأما ما

ص: ۸۰

---

۱- (۱) زیارت نخست و زیارت ششم.

۲- (۲) - لوامع صاحب قرانی ج ۸ ص ۵۱۱.

۳- (۳) - آنچه را که او [شیخ صدوق] ذکر کرده و سامان داده است، در نهایت خوبی است. روضه المتقین ج ۵ ص ۳۴۷

۴- (۴) المزار الکبیر ص ۸۰ مانند من لا یحضره الفقیه آمده است و در مصباح المتهجد ص ۷۱۱، و المزار (شهید) ص ۲۲، و بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۵ ح ۱۲.

وجدت اصحابنا يذكرونه من القول عند زيارتها...»<sup>(۱)</sup> این زیارتی بود که برای فاطمه علیها السلام روایت شده بود و اما آنچه علمای ما در هنگام زیارت آن حضرت می گویند....

سپس همین زیارت تألیف صدوق رحمه الله را نقل می کند تا کلمه «جائزاً ومثیباً» آن گاه می گوید: «ثم تصلّی علی النبی والائمة علیهم السلام؛ بر پیامبر و ائمه درود بفرست.» که در من لا یحضره الفقیه، صلوات بر پیامبر و ائمه، مفصل آمده است.

ج) مجلسی اول رحمه الله در روضه المتقین و در ذیل کلام صدوق رحمه الله چنین توضیح می دهد:

این کلام عذری است بر تألیف زیارت، زیرا زیارت مأثور و رسیده از معصومین علیهم السلام افضل است، هر چند آنچه که او ذکر و تألیف نموده در نهایت خوبی است، و این که خبری در زیارت حضرت زهرا وارد نشده است ظاهر این است، که اگر ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین می خواستند زیارتی بگویند لازم بود از مظلومیت و شهادت آن حضرت سخن بگویند و این خلاف روش آن ها بود چون در حال تقیّه از عامه بودند...»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۸۱

---

۱- ((۱)) - التهذیب ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۲.

۲- ((۲)) - روضه المتقین ج ۵ ص ۳۴۷.



در توضیح کلام مجلسی رحمه الله باید بگوییم که ایشان در ج ۵ ص ۳۴۳ روضه المتقین زیارت حضرت زهرا علیها السلام را از امام جواد علیه السلام از طریق ابراهیم بن محمد عریضی نقل می نماید و می فرماید:

«روی الشيخ فی القوی عن ابراهیم بن محمد عریضی...» پس باید بگوییم: یا او این زیارت را بر دعا حمل نموده است همان گونه که در لوامع صاحب قرانی (۱) اظهار می نماید. و یا مراد او که می گوید:

«خبری در زیارت حضرت زهرا علیها السلام وارد نشده است» آن است که زیارت روایی جامع و کامل وارد نشده است، و این چند زیارت مختصر در حال تقیه صادر شده است و آنان از این که زیارات را مبسوط بیان کنند معذور بوده اند و بعید به نظر می رسد مجلسی از روایتی که در چند صفحه قبل نقل نموده غفلت کرده باشد.

والله العالم.

پیرامون متن زیارت:

متن این زیارت را می توان در سه قسمت تقسیم نمود.

قسمت اول: در قسمت اول سلام های مختلف با القاب و نسبت های سببی و نسبی همراه با مصائب و مناقب آن بانوی بزرگ آمده است، بنابر این قسمت اول خود سه بخش می شود.

ص: ۸۲

بخش اول - سلام بر حضرت زهراء عليها السلام با بيان انتساب او به رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم:

سلام بر تو ای دختر رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، سلام بر تو ای دختر نبی الله،... سلام بر تو ای دختر برترین انبیای خدا و فرستادگان او و فرشتگان او، سلام بر تو ای دختر بهترین خلق.

بخش دوم - سلام بر آن حضرت است با آشکارترین صفت او به عنوان سیده نساء العالمین من الاولین و الآخیرین. و سلام بر آن حضرت به عنوان همسر ولی خدا، بهترین خلق بعد از رسول خدا، و مادر امام حسن و امام حسین دو سید جوانان بهشت.

بخش سوم - سلام بر آن حضرت با صفات ممتاز و مناقب و مصائبش چون: صدیقه، شهیده، رضیه، مرضیه، فاضله، زکیه، حوریه، انسیه، تقیه، نقیه، محدثه، علیمه، مظلومه، مغصوبه، مضطهده، مقهوره.

قسمت دوم: در این قسمت گواهی بر رفتار و صفات و کمالات آن بانو داده می شود و این که شادی او شادی رسول الله است و جفا و اذیت بر او جفا و اذیت به رسول الله، سپس زایر به خدا و رسول و ملائکه قسم می خورد و شهادت می دهد که از کسانی که تو راضی هستی راضی هستم و از کسانی که تو از آن ها در غضبی و بیزاری، من هم در غضب و بیزارم.

قسمت سوم: قسمت سوم صلوات بر محمد و ائمه معصومین و

فاطمه زهرا علیهم السلام است و برای هر معصومی صفاتی مناسب می آورد ولی نسبت به اول آن ها حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آخر آن ها حضرت مهدی (عج) القاب و اوصاف بیشتری بیان می شود.

ص: ۸۴

این زیارت را عالم جلیل شیخ ابراهیم کفعمی رحمه الله در البلد الامین نقل کرده که با زیارت من لا يحضره الفقيه و التهذيب یکی به نظر می رسد هرچند در بعضی از فقرات تقدیم و تأخیر و مختصر تفاوتی مشاهده می شود.

کفعمی رحمه الله در البلد الامین گوید:

قبر را روبروی خود قرار ده و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ  
بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، اَی دَخْتَرِ حَبِیْبِ خَدَا! سَلَامٌ بَر تَو اَی دَخْتَرِ خَلِیْلِ خَدَا! السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ سَلَامٌ بَر  
تَو اَی دَخْتَرِ بَهِتْرَیْنِ آفْرِیْدَةُ خَدَا! سَلَامٌ بَر تَو اَی بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ اَی دَخْتَرِ بَهِتْرَیْنِ پیامبران و  
فرشتگان و رسولان خدَا! سَلَامٌ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صَفْوَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَمِیْنِ بَر تَو اَی دَخْتَرِ بَر گزیده خدَا! سَلَامٌ بَر تَو اَی  
دختر امین

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ خُدا! سلام بر تو ای دختر بهترین مردم! سلام بر تو یا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، ای سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان! السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ سَلَامِ بَرِ تَوِ ای همسر ولی خدا و بهترین آفریده پس از رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ رَسُولِ خُدا! سلام بر تو ای مادر حسن و حسین سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا دُو سرور جوانان اهل بهشت! سلام بر تو ای الصَّدِيقَةَ الشَّهِيدَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ صَدِيقَةُ شَهِيدِهِ! سلام بر تو ای خرسند (از خدا و) المَرَضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ مَوْرِدِ پَسَنْدِ خُدا! سلام بر تو ای دارای فضیلت و کمال! سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا بَرِ تَوِ ای حوریة انسی! سلام بر تو ای التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، پارسای پاکیزه (سرشت)! سلام بر تو ای الهام شده دانا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ، السَّلَامُ سَلَامٌ بِرِئَايَةِ مَوْرِدِ سَتَمِ قَرَارِ كَرَفْتِهِ حَقِّ غَضَبِ شَدَّةِ! سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَرَحْمَتُ وَبَرَكَاتُ خدَا بِرِئَايَةِ فَاطِمَةِ دَخْتَرِ رَسُولِ خدَا! صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

دروء خدَا بر تو و بر جان و جسم (پاك) تو باد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ مَضَيْتِ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ شَهِدَتْهُ مِي دَهْمِ كِهْ تُو بَا حَجْتِي كِهْ از پُروردگار خود (عليه دشمنانت) داشتی در گذشتی، سَيَّرَكَ فَقَدْ سَيَّرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَمَ، وَمَنْ جَفَاكَ وَابْنِ كِهْ هر كِهْ تُو را شاد كرد رسول خدَا را شاد نمود، و هر كِهْ بر تو جفا كرد فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ؛ بر رسول خدَا جفا نمود، و هر كِهْ (پيوند خود را) از تو بريد از رسول خدَا گسست، لِأَنَّكَ بَضَعَهُ مِنْهُ وَرُوحَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْهِ.

زيرا تو پارهٔ تن و جان او هستی كه در (قلب و) سينهٔ او جا دارد.

أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتَ عَنْهُ، خدَا و رسولش و فرشتگانش را گواه مي گيرم كه از هر كس تو خشنودی من نيز خشنودم، سَاخَطُ عَلَيَّ مَنْ سَخَطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئُ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، بر هر كس تو خشمگيني من نيز خشمگينم، از هر كس تو بيزاري من نيز بيزارم،

مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، بَا هَر كَسْ كَه تَو هَمْرَاهِي مَن نِيْز هَمْرَاهِم، بَا هَر كَسْ كَه تَو دَشْمَنِي مَن نِيْز دَشْمَنِم، مُبْغِضٍ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَزْهَر كَسْ كَه تَو دَر بَغْضِي مَن نِيْز دَر بَغْضِم، وَ هَر كَسْ رَا كَه تَو دَوْسْت دَارِي أَحَبِّتِ، وَ كَفَى بِإِلَهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً.

من نیز دوست دارم، و خدا بس است که شاهد و حسابرس و کیفر دهنده و پاداش بخش باشد.

سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام صلوات بفرست (۱).

پایان این زیارت «جازیاً و مثیباً» است. آن گاه می گوید: سپس بر پیامبر و ائمه علیهم السلام صلوات بفرست. بنا بر این دو قسمت اول این زیارت با زیارت ششم یکی به نظر می رسد و قسمت سوم در این جا با اختصار آمده است و مانند عبارت التهذیب است.

ص: ۸۸

زیارت حضرت زهرا کنار خانه اش و در بقیع:

صاحب مزار کبیر گوید: آن حضرت را در خانه اش و در بقیع این چنین زیارت می کنی:

السَّلَامُ عَلَى الْبَتُولَةِ الشَّهِيدَةِ، ابْنَةِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ سَلَامٌ بِر (زهراى) بتول، آن شهيد (راه خدا)، دختر پیامبر رحمت، النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَزَوْجِ (۱) الْوَصِيِّ الْحُجَّهِ، امِّ (۲) السَّادَةِ پیامبر مصطفی و همسر وصی (پیامبر) حجت (خدا) مادر سروران، الْأَيْمَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَةَ النَّبِيِّ امامان (نور و هدایت). سلام بر تو ای فاطمه زهرا دختر پیامبر الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مصطفی، سلام بر تو و بر پدر (بزرگوار) تو، سلام بر تو وَعَلَى بَعْلِكَ وَبَنِيكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُمْتَحَنَةُ، و بر شوهر و فرزندان تو باد. سلام بر تو ای آزموده (راه خدا)، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الصَّابِرَةُ. لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَلَامَ بِر تو ای ستمدیده بردبار. خدا از رحمت خود دور کند هر کس را

ص: ۸۹

۱- (۱) - «وزوجه» مصباح الزائر، البحار.

۲- (۲) - «ووالده» مصباح الزائر، البحار.



مَنْعَيْكَ حَقِّكَ، وَدَفَعَيْكَ عَنْ إِرْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ كَـهُ أَنْ تَجْعَلَ مِنْ جُلُوعِي كَرْدًا. وَاز ارثت بازداشت. وَ خدَا از رحمت خود دور كند مَنْ كَذَّبَكَ (۱) وَأَعْتَتَكَ، وَغَضَّصَكَ هَر كَس رَا كَه تَكْذِيبْت كَرْد، وَ آزارت داد، وَ تُو رَا بَه نَارَاحْتِي شَدِيدِ وَاذَاشْت بَاعَث شد بِرِيقِكَ، وَأَدْخَلَ الذُّلَّ بَيْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَغَضَ كَلُوبِي رَا بَكْغِيرْد، وَ ذَلَّت رَا بَه خَانَه تُو آوَرْد، وَ خدَا لَعْنَت كند هَر كَس رَا كَه رَضِيَ بِذَلِكَ وَشَاعَ فِيهِ وَاخْتَارَهُ بَه اَيْن رِفْتَارَهَا خَرَسند بُوْد، وَ دَر آن پِروِي (دِیْكَرَان) نَمُود وَ بَر كَزِيد، وَأَعَانَ عَلَيْهِ وَالْحَقَّهُمْ بِدَرِكَ الْجَجِيمِ.

و [بر انجام آن] كمك و یاری نمود، و خدا ایشان را به پست ترین جای جهنم در آورد.

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِوَلَايَتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ مِنْ أَرَاةِ شَمَا خَانْدَانِ پِامْبِرِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمِ وَالتَّبَرَاءِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ بِيْزَارِي از دَشْمَنَانِ جِنِّ وَ اِنْسِ شَمَا، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ (۲).

به خدای سبحان تقرب می جویم، و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او باد.

ص: ۹۰

۱- ((۱)) - المصباح: «أَعْمَكَ».

۲- ((۲)) - المزار الكبير ص ۸۲ مصباح الزائر ص ۵۳، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۸ ح ۱۶.

توضیح کوتاه پیرامون متن زیارت:

بخش اول - شامل شش سلام بر آن حضرت است.

سلام اول با لقب «البتوله الشهیده» شروع می شود و سلام آخر با «المظلومه الصابره» پایان می یابد، بین این دو سلام ارتباط لطیفی است که نکته سنجان از آن غافل نیستند. و در وسط هم با صفات بلند سببی و نسبی و بعضی القاب به آن بانوی بزرگ سلام داده می شود.

بخش دوم - نفرین و لعن بر کسانی است که مانع رسیدن ارث و حق او شدند و او را تکذیب کردند و اذیت نمودند و هم چنین نفرین بر کسانی که این ستمکاران را یاری کردند.

بخش سوم - سخن از ولایت اهل بیت و برائت از دشمنان اهل بیت و درود بر محمد و آل پاک او است.

ص: ۹۱

السَّلَامُ عَلَى الْبَتُولِ (۱) الطَّاهِرَةِ، وَالصَّديقَةِ سَلامٍ بِرِ (بانوی) از دنیا بریده به خدا پیوسته پاک (سرشت) و درستکار المعصومه، وَالْبِرَّةِ النَّقِيَّةِ (۲)، سَلِيلِهِ الْمُصْطَفَى، وَحَلِيلِهِ (۳) معصوم، و نیکوکار با تقوا، زاده مصطفی، و همسر المرتضی، اُمِّ الْأَيْمَةِ النَّجْبَاءِ. اللَّهُمَّ إِنَّهَا خَرَجَتْ مِنْ دُنْيَاهَا مَرْتَضَى، مَادِرِ اِمَامَانِ نَجِيبٍ. بَارِهَا! او در حالی از دنیا رفت که مظلومه مغشومه، قَدْ مُلِثَتْ دَاءً وَحَسْرَةً وَكَمَدًا وَعُصَّةً مَرْدِ سَتَمٍ وَبِيَادِ قَرَارِ كَرَفْتٍ وَازِ دَرْدٍ وَآهِ وَدَلِشْكَسْتِغِي وَغِصَةِ آكِنْدِهِ بُوْد، تَشْكُوْ اِيْكَ وَ اِلَى اَبِيْهَا مَا فَعَلَ بِهَا.

و از رفتار (ستمگرانه) ی که با او داشتند به تو و پدرش شاکی بود.

اللَّهُمَّ اِنْتَقِمْ لَهَا وَخُذْ لَهَا بِحَقِّهَا.

بارها! خود انتقام او را (از دشمنانش) بگیر، و حَقش را بستان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الزَّهْرَاءِ الزَّكِيَّةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيْمُونَةِ، بَارِهَا! بر زهرای پاکیزه سرشت خجسته با میمنت درود فرست،

ص: ۹۲

۱- (۱) - در برخی از نسخ: البتوله.

۲- (۲) - در برخی از نسخ: النقیه به معنی پاکیزه آمده است.

۳- (۳) - در برخی از نسخ: خلیله به معنی دوست ویژه آمده است.

صَلَاةً تَزِيدُ فِي شَرَفِ مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَجَلَالِهِ مَنَزِلَتِهَا لَدَيْكَ، درودی که به شرافت جایگاه و شکوه مقامش نزد تو بیفزاید، وَبَلَّغْهَا مِنِّي السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و از جانب من به او سلام برسان و سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.

و نیز می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي يُوهِمُنِي غَالِبٌ ظَنِّي أَنَّ هَذِهِ الرُّوضَةَ مَوَارِئُ بَارِلِهَا! مَرَا كَمَا بِيَشْتَرِ أَيْنَ اسْتِ كِهَ اَيْنَ رُوضَةُ (مَطْهَرَه) جَايَ دَفْنِ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَمَثَوَاهَا، وَمَوْضِعُ قَبْرِهَا وَمُعْزَاهَا، سرور زنان جهانیان، و قبر و آرامگاه اوست فَصَلِّ عَلَيْهَا وَبَلَّغْهَا عَنِّي (۱) السَّلَامَ حَيْثُ كَانَتْ وَحَلَّتْ (۲).

پس بر او درود فرست، و از جانب من به او - هر جا که هست و مدفون گشته - سلام برسان.

این زیارت، زیارت حضرت زهرا در روضه (فاصله بین قبر و منبر) است که سید بن طاووس می گوید: بین قبر و منبر می ایستی و چنین می گویی:.....

ص: ۹۳

---

۱- (۱) - المزار (شهید): «منی».

۲- (۲) - مصباح الزائر ص ۵۲، و در المزار الكبير ص ۷۸ ح ۱، و در المزار (شهید) ص ۲۰-۲۱ تا «ورحمه الله وبركاته»، و در بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۷ ح ۱۵ به نقل از مصباح الزائر و المصباح (كفعمی).

این زیارت چهار بخش دارد:

بخش اول - سلام بر آن حضرت است با صفات و القاب عالی آن حضرت مانند: البتوله، الطاهره، الصدیقه، المعصومه، البرّه، النقیه، سليله المصطفی، حلیله المرتضی، ام الائمه النجباء.

بخش دوم - بیان زندگی مظلومانه او و این که حق او غصب شد و با دلی پر از حسرت و حزنی که مخفی می داشت از دنیا رفت. در آخر این بخش، از خدا خواسته می شود که انتقام او را بگیرد.

بخش سوم - صلوات و سلام بر آن حضرت است با صفات و القاب: زهرا، زکیه، میمونه.

بخش چهارم - زایر حضرت اظهار می دارد، خدایا به گمان من این روضه محلی است که سیده نساء العالمین در آن پنهان شده و جایگاه قبر او و عزاداری اوست. خدایا هر کجا باشد بر او درود و سلام فرست.

ص: ۹۴

شیخ مفید رحمه الله چنین فرموده است: چون خواستی زیارت کنی حضرت را در روضه مطهره بایست و بگو:

□  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. السَّلَامُ عَلَى سَلَامٍ بِرَسُولِ خَدَا! سَلَامٌ بِرَبِّبَتِكَ الصَّدِيقِ الطَّاهِرِ.  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ دَخْتَرِ رَاسْتَكِرْدَارِ وَ پَاكِ سِرْشْتِ تُو. سَلَامٌ بِرِ تُو اِي فَاطِمَه دَخْتَرِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ  
سَلْمِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ. [السَّلَامُ رَسُوْلِ خَدَا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلْمِ! اِي سِرُوْرِ زَنَانِ جِهَانِيَانِ! (سَلَامٌ عَلَيْكَ) (۱) اَيُّتُّهَا  
الْبَتُوْلُ الشَّهِيدَةُ الطَّاهِرَةُ. لَعَنَ اللّٰهُ بِرِ تُو) اِي (زَهْرَايِ) بِتُوْلِ شَهِيْدِ وَ پَاكِيْزِه سِرْشْتِ. خَدَاوْنَدِ اَز رَحْمَتِ خُوْدِ دُوْر كَنْدِ مَا نَعْنَعُكَ  
اِرْتِكِ، وَ دَا فَعْعُكَ (۲) عَن حَقِّكَ، وَالزَّادَ بَا زِ دَارِنْدَه اِرْتِ وَ حَقِّ تُو رَا، وَ بَا زِ گِرْدَانِنْدَه

ص: ۹۵

---

۱- (۱) - از البلد الأمين، و البحار.

۲- (۲) - البلد الأمين: «ورافعك».

عَلَيْكَ قَوْلِكَ، لَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ، (در خواست و) گفتارت را، خدا شیعیان و پیروان آنان را لعنت کند، وَأَلْحَقَهُمْ بِدَرَكِ الْجَحِيمِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَيْبِكَ و ایشان را به پست ترین جای جهنم در آورد. درود خدا بر تو و بر پدر تو وَبِعَلِّكَ وَوَلَدِكَ الْأَيْمَةَ الزَّاشِدِينَ و همسر و فرزندان تو باد که امامان هدایتگرند، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (۱).

و سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

این زیارت سه بخش دارد:

بخش اول - سلام بر رسول خدا و بر دخترش صدیقه طاهره، و پس از آن سلام بر حضرت فاطمه با القاب: سیّده نساء العالمین، بتول، شهیده، طاهره.

بخش دوم - ابراز تنفر و بیزاری از مخالفین حضرت، همراه با لعن و نفرین به کسانی که ارث او را منع کردند و حق او را ندادند و سخن او را رد نمودند. و هم چنین نفرین به پیروان آن ستمکاران، و آرزوی این که خداوند آن ها را به قعر جهنم واصل کند.

ص: ۹۶

---

۱- (۱) - المزار (شیخ مفید) ص ۱۷۹، البلد الامین ص ۲۷۸، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۹۷ ح ۱۴، و در المقنعه ص ۴۵۹ شبیه آن.

بخش سوم - درود و صلوات بر حضرت فاطمه علیها السلام و پدر و همسر و فرزندان ائمه طاهریں علیهم السلام.

قابل توجه آن که در این بخش محور صلوات حضرت فاطمه علیها السلام قرار گرفته است و چنین گفته می شود: درود و صلوات خدا بر تو و بر پدرت و بر شوهرت و بر ائمه راشدین از فرزندان.

ص: ۹۷



السَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِنْتِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، سَلَامٌ بِرِ سُرُورِ زَنَانِ جَهَانِيَانِ، وَدَخْتَرِ سُرُورِ پِيَامْبِرَانِ وَأُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْأَكْرَمِ، وَشَقِيقَةِ وَ مَادِرِ اِمَامَانِ پَاكِ نِهَادِ، فَاطِمَةَ دَخْتَرِ مُحَمَّدِ وَالِا مَقَامِ، وَخَوَاهِرِ الْبَتُولِ مَرِيَمَ، أَطْهَرَ النِّسَاءِ، وَبِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، مَرِيَمِ بَتُولِ، پَاكِ تَرِينِ زَنَانِ، وَ دَخْتَرِ بَهْتَرِينِ پِيَامْبِرَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّيِّدَةِ الْمَفْقُودَةِ الْكَرِيمَةِ الْمَحْمُودَةِ بَارِهَا! دَرُودِ فَرَسْتِ بِرِ اَيْنِ بَانُوِي اَزِ دَسْتِ رَفْتَهُ بَزْرِ گَوَارِ دَرِ خُورِ سَتَائِشِ الشَّهِيدَةِ الْعَالِيَةِ الرَّشِيدَةِ، اُمِّ الْأَيْمَةِ، وَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْأُمَّةِ، شَهِيدِ بَلَنْدِ مَرْتَبَةُ بِا كَمَالِ، مَادِرِ اِمَامَانِ، وَ سُرُورِ زَنَانِ اُمَّتِ، بِنْتِ نَبِيِّكَ، صَاحِبِهِ وَ لَيْتِكَ، سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَ وَاوَرْتِهِ سَيِّدِ دَخْتَرِ پِيَامْبِرْتِ، هَمْسَرِ وَلَيْتِ، سَالَارِ بَانُوَانِ، وَ وَاوَرْتِ سُرُورِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ قَرِينَةِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، الْمَعْصُومَةِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، پِيَامْبِرَانِ، وَ هَمْسَرِ سُرُورِ اَوْصِيَاءِ، وَ مَعْصُومِ اَزِ هَرِ بَدِي (وَ گَنَاهِ)،

صَلَاةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً مَرْفُوعَةً مِذْكُورَةً، تَرْفَعُ بِهَا (بارِهَا!) بِرِ اودرود فرست) درودِ پاكيزه خجسته والا مرتبه یادکردنی که با آن  
ذِکْرَهَا فِي مَحَلِّ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ فِي أَشْرَفِ شَرَفِ النَّبِيِّينَ، يَادُ أَوْ رَا فِي مَحَلِّ نِيكُوكَارَانِ أَهْلِ خَيْرٍ، وَ شَرِيفْتَرِينِ جَايْگَاهِ پيامبران،  
فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى، فِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى.

و نیز در میان برترین والا رتبه گان، در بالاترین درجات، در بلندترین مقام بالا ببری.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْلِ كَعْبِهَا، بارِهَا! بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ درود فرست، و مقامِ فاطمه زهرا را بالا ببر،  
وَأَكْرِمِ مَا بَيْنَهَا، وَأَجْزِلِ ثَوَابَهَا، وَأَذِنِ مِنْكَ مَجْلِسِهَا، وَ مَنْزِلَتِهَا رَا ارجمنند ساز، و پاداشش را فراوان کن، و محل نشستنش را به  
خود نزدیکتر کن وَ شَرِّفْ لِمَدِيكَ مَكَانَهَا وَمَثْوَاهَا، وَأَنْتَقِمِ لَهَا مِنْ عِدُوِّهَا، وَ مَكَانَتِهَا وَ جَايِ أَوْ رَا نَزْدِ خُودِ شَرِيفِ گِردان، و از  
دشمنش انتقام گیر، وَ ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهَا، وَ النَّقْمَةَ عَلَيَّ مَنْ غَصَبَهَا، وَ عَذَابِ سَتْمِگِرَانِ وَ كَيْفِرِ غَاصِبَانِ حَقِّشِ رَا دُو  
چندان کن، وَ خُذْ لَهَا يَا رَبِّ بِحَقِّهَا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و ای پروردگار! حَقِّشِ رَا بَسْتَانِ که تو بر هر چیز توانایی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهَا مِنَّا التَّحِيَّةَ، بارِهَا! بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ درود فرست، و سلام ما را به فاطمه  
زهرا برسان،

وَأَزِدُّ عَلَيْنَا مِنْهَا تَحِيَّةً، وَالسَّلَامُ عَلَيْهَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ(۱).

و پاسخ او را به ما برگردان، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.

این زیارت را علامه مجلسی در بحار الانوار از عتیق غروی نقل می کند و می توان گفت شامل چهار بخش است:

بخش اول - با سلام بر آن حضرت شروع می شود همراه با بعضی القاب و اوصاف نسبی و غیر نسبی آن بانو چون سیده نساء العالمین، بنت سید النبیین، أم الائمة الطاهرین، بنت محمد الاکرم، شقیقه البتول مریم، اطهر النساء، بنت خیر الانبیاء.

بخش دوم - درود و صلوات بر آن حضرت است همراه با بعضی اوصاف و القاب دیگر حضرت چون السیده المفقوده، الکریمه المحموده، الشهیده العالیه، الرشیده... وارثه سید الانبیاء، قرینه سید الاوصیاء، المعصومه من کل سوء... که این اوصاف بر اوج عظمت آن حضرت اشاره دارد.

بخش سوم - صلوات بر محمد و آل محمد و دعای خیر برای حضرت زهرا علیها السلام و نفرین به کسانی است که بر آن حضرت ظلم کردند.

بخش چهارم - همراه با صلوات بر محمد و آل محمد، زایر از خدا می خواهد که تحیت او را به حضرت زهرا برساند، و تحیت آن حضرت نیز به زایر بازگردانده شود.

ص: ۱۰۰

- ۱ - الإتحاف بحب الأشراف، شيخ عبدالله بن محمد بن عامر الشبراوى/مصر/افست منشورات رضى قم ۱۳۶۳ ش.
- ۲ - الاستيعاب فى معرفه الأصحاب، ابن عبد البر النمري القرطبي / چاپ شده در حاشیه الإصابه فى تمييز الصحابه.
- ۳ - أسد الغابه فى معرفه الصحابه ۷-۱، عز الدين بن الأثير الجزرى / تحقيق: محمد ابراهيم البنا ومحمد أحمد عاشور و... / دار إحياء التراث العربى / بيروت.
- ۴ - الإصابه فى تمييز الصحابه ۴-۱، شهاب الدين ابو الفضل أحمد بن على بن حجر العسقلانى / مؤسسه التاريخ العربى، ودار إحياء التراث العربى / چاپ اول / مصر ۱۳۲۸ / افست بيروت.
- ۵ - إقبال الأعمال ۳-۱، السيد رضى الدين على بن موسى بن جعفر بن طاووس / تحقيق: جواد قيومى / انتشارات دفتر تبليغات اسلامى / چاپ اول / قم / ۱۴۱۴ ق.
- ۶ - ألقاب الرسول وعترته، يكي از محدثين و علمای

گران قدر قدیم / چاپ شده در ضمن مجموعه نفیسه / مکتبه آیه الله العظمیٰ نجفی مرعشی / قم.

۷ - الأمالی ۱-۲، أبو جعفر بن محمد بن الحسين الطوسی / منشورات مکتبه الداوری / قم.

۸ - الأمالی، أبو جعفر محمد بن علی بن بابویه القمی الصدوق / مؤسسه اعلمی / بیروت / چاپ پنجم / ۱۴۰۰ ق.

۹ - الأمالی، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المفید / تحقیق: علی اکبر غفاری و حسین استادولی / مؤسسه النشر الإسلامی / قم.

۱۰ - أنساب الأشراف ۱-۱۳، احمد بن یحیی بلاذری / تحقیق:

سهیل زکّار و ریاض زرکلی / دار الفکر / چاپ اول / بیروت / ۱۴۱۷ ق.

۱۱ - بحار الأنوار ۱-۱۱۰، علامه محمد باقر مجلسی / مؤسسه الوفاء / چاپ دوم / بیروت / ۱۴۰۳ ق.

۱۲ - بشاره المصطفی، محمد بن ابی القاسم الطبری / منشورات مکتبه الحیدریه / چاپ دوم / نجف / ۱۳۸۳ ق.

۱۳ - بصائر الدرجات الکبری، أبو جعفر محمد بن الحسين بن فروخ (الصفار) / تصحیح: میرزا محسن کوچه باغی / منشورات اعلمی / چاپ دوم / تهران / ۱۳۷۴ ش.

۱۴ - البلد الأمين، شیخ ابراهیم کفعمی / تصحیح: سید احمد زنجانی / چاپ سنگی.

ص: ۱۰۲

۱۵ - بیت الأحران، حاج شیخ عباس محدث قمی / حسینیہ عماد زاده / چاپ اول / قم / ۱۴۰۴ ق.

۱۶ - تاج الموالید، أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی / چاپ شده در ضمن مجموعه نفیسه / مکتبه آیه الله العظمیٰ نجفی مرعشی / قم.

۱۷ - تاریخ الأئمه، ابن أبی الثلج البغدادی / چاپ شده در ضمن مجموعه نفیسه / مکتبه آیه الله العظمیٰ نجفی مرعشی / قم.

۱۸ - تاریخ الإسلام ۱-۵۹، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی / تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری / دار الکتب العربی / چاپ اول / بیروت / ۱۴۰۷ ق.

۱۹ - تفسیر العیاشی ۱-۲، أبو نصر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی / تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی / المکتبه العلمیه الإسلامیه / تهران.

۲۰ - تفسیر القمّی ۱-۲، أبو الحسین علی بن إبراهیم القمّی / تصحیح: سید طیب موسوی جزایری / مؤسسه دار الکتب للطباعه والنشر / قم / ۱۴۰۴ ق.

۲۱ - التوحید، أبو جعفر محمد بن علی بن بابویه القمّی الصّدوق / تحقیق: سید هاشم حسینی طهرانی / انتشارات مکتبه صدوق / تهران / ۱۳۹۸ ق.

۲۲ - التهذیب ۱-۱۰، أبو جعفر محمد بن الحسین الطوسی /

تحقیق: سید حسن موسوی خراسان/ دار الکتب الإسلامیه/ چاپ چهارم/ تهران/ ۱۳۶۵ ش.

۲۳ - الجامع الصغیر، جلال الدین السیوطی / دار الکتب العلمیه / بیروت.

۲۴ - جمال الاسبوع، سید رضی الدین بن طاووس / چاپ سنگی تهران ۱۳۳۰ ق / افسست منشورات رضی / قم.

۲۵ - جواهر العقدين، نور الدین علی بن عبد الله السمهودی / تحقیق: مصطفیٰ عبد القادر عطا / دار الکتب العلمیه / چاپ اول / بیروت / ۱۴۱۵ ق.

۲۶ - الحجّه الغراء علی شهاده الزهراء علیها السلام، آیه الله جعفر السبحانی / مؤسسه الامام الصادق علیه السلام / چاپ اول / قم / ۱۴۲۲ ق.

۲۷ - الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه ۱-۲، شیخ شمس الدین محمد بن مکی العاملی (الشهید الاول) / تحقیق و نشر:

مؤسسه النشر الإسلامی / چاپ اول / قم / ۱۴۱۲ ق.

۲۸ - دلائل الإمامه، أبو جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری / المكتبه الحیدریه / نجف / ۱۳۸۳ ق / افسست منشورات رضی / قم.

۲۹ - روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه ۱-۱۴، مولی محمد تقی مجلسی (اول) / تحقیق: سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهااردی / بنیاد فرهنگ اسلامی حاج

ص: ۱۰۴

محمد حسين كوشانيور / چاپ اول ۱۴۰۶ ق.

۳۰ - روضه الواعظين، محمد بن قتال النيشابورى / المكتبه الحيدريه / نجف ۱۳۸۶ ق / افسست منشورات رضی / قم / چاپ اول / ۱۳۶۸ ش.

۳۱ - شرح الأخبار فى فضائل الأئمه الأطهار ۱-۳، قاضى نعمان مغربى / تحقيق: محمد حسینی جلالی / دار الفكر / بيروت / ۱۴۱۴ ق.

۳۲ - شرح نهج البلاغه ۱-۲۰، ابن أبى الحديد / تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم / دار إحياء الكتب العربيه / چاپ دوم / بيروت / ۱۳۸۵ ق.

۳۳ - صحيح البخارى ۱-۹، محمد بن إسماعيل البخارى / تحقيق: أحمد محمد شاكر / دار الجيل / بيروت.

۳۴ - الصواعق المحرقة، أحمد بن حجر الهيتمى المكى / تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف / مكتبه القاهره / چاپ دوم / مصر / ۱۳۸۵.

۳۵ - العقد الفريد، أحمد بن محمد بن عبد ربّه الاندلسى / تحقيق: أحمد أمين وأحمد زين و ابراهيم الايبارى / دار الكتاب العربى / بيروت / ۱۴۰۲ ق.

۳۶ - علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن على بن بابويه القمى الصّدوق / منشورات المكتبه الحيدريه / نجف / ۱۳۸۵ ق.

ص: ۱۰۵



٣٧ - عيون أخبار الرضا عليه السلام، أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي الصدوق / المكتبة الحيدرية / نجف / ١٣٩٠ ق /  
افست اعلمي تهران.

٣٨ - فرائد السمطين ١-٢، المحدث إبراهيم بن محمد الجويني الخراساني / تحقيق: محمد باقر محمودي / مؤسسه المحمودي  
للطباعة والنشر / بيروت.

٣٩ - الكافي ١-٨، ثقة الإسلام أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي / تحقيق: علي أكبر غفاري / دار الكتب  
الإسلاميه.

٤٠ - كتاب الخصال، أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي الصدوق / تحقيق: علي أكبر غفاري / منشورات جماعه المدرسين  
في الحوزه العلميه / قم / ١٤٠٣ ق.

٤١ - كتاب المزار، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المفيد / تحقيق: محمد باقر ابطحي / المؤتمر العالمي بمناسبة ذكرى  
ألفيه الشيخ المفيد / قم / ١٤١٣ ق.

٤٢ - كتاب المزار، محمد بن مكي العاملي الجزيني (الشهيد الأول) / تحقيق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام / چاپ  
اول / قم / ١٤١٠ ق.

٤٣ - كتاب سليم بن قيس الهلالي ١-٣، سليم بن قيس الهلالي / تحقيق: محمد باقر انصاري زنجاني / الهادي / قم /

٤٤ - كشف الغمّه في معرفه الأئمّه ٣-١، أبو الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح الاربلي / تحقيق: سيد هاشم رسولي محلاتي / دار الكتاب الإسلامي / بيروت / ١٤٠١ ق.

٤٥ - كمال الدين وتمام النعمه، أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي الصدوق / تصحيح: علي أكبر غفاري / مؤسسه النشر الإسلامي / چاپ سوم / قم / ١٤١٦ ق.

٤٦ - كتر العمال ١٨-١، علاء الدين المتقي الهندي / تحقيق:

بكري حيانى و صفوه السقا / بيروت / ١٤٠٩ ق.

٤٧ - لوامع صاحب قرانى ٨-١، مولى محمد تقى مجلسى (اول) / انتشارات اسماعيليان / چاپ دوم / قم / ١٤١٤ ق.

٤٨ - مائه منقبه، أبو الحسن محمد بن أحمد (ابن شاذان) / مدرسه الإمام المهدي عليه السلام / چاپ اول / قم / ١٤٠٧ ق.

٤٩ - مجمع البحرين، شيخ فخر الدين الطريحي / تحقيق:

سيد أحمد الحسينى / تنظيم: محمود عادل / دفتر نشر فرهنگ اسلامى / چاپ دوم / تهران / ١٤٠٨ ق.

٥٠ - مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ١٠-١، علي بن أبي بكر الهيثمى / دار الكتب العلميه / بيروت / ١٤٠٨ ق.

٥١ - مختصر تاريخ دمشق ١٦-١، محمد بن مكرم بن منظور / تحقيق: سكينه الشهابى / دار الفكر / دمشق / چاپ اول / ١٤٠٩ ق.

۵۲ - مرآة العقول ۲۲-۱، علامه محمد باقر مجلسی / تصحیح:

سید هاشم رسولی محلاتی / دارالکتب الإسلامیه / چاپ دوم / تهران / ۱۳۶۳ ش.

۵۳ - مروج الذهب ۴-۱، علی بن حسین بن علی المسعودی / تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید / مطبعه السعاده / مصر / چاپ چهارم / ۱۳۸۴ ق.

۵۴ - المزار الكبير، أبو عبد الله محمد بن جعفر المشهدی / تحقیق: جواد قیومی / نشر قیوم / چاپ اول / قم / ۱۴۱۹ ق.

۵۵ - مسارّ الشیعه، محمد بن محمد بن النعمان المفید / چاپ شده در سلسله مصنفات شیخ مفید ج ۷.

۵۶ - مستدرک الوسائل ۱۸-۱، المیرزا حسین المحدث النوری / تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث / چاپ اول / قم / ۱۴۰۷ ق.

۵۷ - المستدرک علی الصحیحین ۵-۱، محمد بن عبد الله الحاکم النیشابوری / تحقیق: مصطفیٰ عبد القادر عطا / دارالکتب العلمیه / چاپ اول / بیروت / ۱۴۱۱ ق.

۵۸ - مصباح الزائر، سید رضی الدین علی بن موسیٰ بن طاووس / تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث / چاپ اول / قم / ۱۴۱۷ ق.

۵۹ - مصباح المتهدّج، أبو جعفر محمد بن الحسين الطوسی /

ص: ۱۰۸

٦٠- المصباح، شيخ تقى الدين إبراهيم بن على العاملى الكفعمى / چاپ سنگى افسست منشورات مؤسسه الأعلمى للمطبوعات / چاپ دوم / ١٣٩٥ ق.

٦١- معانى الأخبار، أبو جعفر محمد بن على بن بابويه القمى الصدوق / تحقيق: على اكبر غفارى / دار المعرفه / بيروت / ١٣٩٩ ق.

٦٢- المعجم الكبير ٢٥-١، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانى / تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى / دار إحياء التراث العربى / بيروت / چاپ دوم.

٦٣- معجم رجال الحديث ٢٣-١، آيه الله العظمى السيد أبو القاسم الخوئى / مركز نشر آثار شيعه / قم / ١٤١٠ ق.

٦٤- المقنعه، أبو عبد الله محمد بن النعمان المفيد / تحقيق ونشر: مؤسسه النشر الإسلامى / چاپ دوم / قم / ١٤١٠ ق.

٦٥- الملل والنحل، أبو الفتح محمد بن عبد الكريم الشهرستانى / تخريج: محمد بن فتح الله بدران / مكتبه الانجلو / مصر / افسست منشورات الرضى / قم / ١٣٦٧ ش.

٦٦- مناقب آل أبى طالب ٤-١، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهر آشوب المازندرانى / مؤسسه انتشارات علامه / قم.

٦٧- من لا يحضره الفقيه ٤-١، أبو جعفر محمد بن على بن بابويه القمى الصدوق / تحقيق: على اكبر غفارى / مؤسسه النشر

الإسلامى / چاپ سوّم / قم / ۱۴۱۴ ق.

۶۸ - میزان الاعتدال ۴-۱، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبى / تحقيق: على محمد البجاوى / دارالفكر للطباعة والنشر.

۶۹ - نور الثقلين ۵-۱، الشيخ عبد العلى بن جمعه العروسى الحويزى / مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان / قم.

۷۰ - الوافى بالوفيات ۲۹-۱، صلاح الدين الصفدى / تحقيق:

س. ديدرينغ / دار صادر / چاپ سوم / بيروت / ۱۴۱۱ ق.

۷۱ - وسائل الشيعه ۳۰-۱، الشيخ محمد بن حسن الحرّ العاملى / تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث / چاپ دوم / قم / ۱۴۱۴ ق.

۷۲ - وفاه الصديقه الزهراء عليها السلام، عبد الرزاق الموسوى المقرّم / المطبعه الحيدريه / نجف / ۱۳۷۰ ق.

۷۳ - ينابيع المودّه، سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى / المكتبه الحيدريه / نجف / ۱۳۸۴ / افست انتشارات شريف رضى / قم / ۱۳۷۱ ش.

ص: ۱۱۰

فهرست

ص: ۱۱۱

فهرست

ص: ۱۱۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

